

تقویم هفتگی

سال ۱۳۲۲ خورشیدی - ۱۳۶۲ قمری - ۱۹۴۳ میلادی

۲شنبه ۲۹ فروردین	مطابق با	۱۳ ربیع‌الثانی		۱۹ آوریل	
۳شنبه ۳۰	«	«	۱۴	«	۲۰ «
۴شنبه ۳۱	«	«	۱۵	«	۲۱ «
۵شنبه اول اردیبهشت	«		۱۶	«	۲۲ «
جمعه ۲	«	«	۱۷	«	۲۳ «
شنبه ۳	«	«	۱۸	«	۲۴ «
۱شنبه ٤	«	«	۱۹	«	۲۵ «

شماره ۴۲۰ سال چهاردهم

دوشنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۲۲

بهای تك شماره در تمام کشور ۲ ریال

خلاصه مندرجات



گرانی زندگی

نتیجه از بیانات مستر کیسی وزیر انگلیس درخاورمیانه

درین دوسه هفته اخیرا گر ابلاغیه ستاد ارتش متفقین در افریقای شمالی حکایت از پیشرفت های سریع لشکر هشتم میکرد، ابلاغیه ستاد بازار تهران ازآن دست کم نمی آمد ویکی بعد ازدیگری خبر پیشرفت های مهمی درفروندت تخم مرغ و گوشت وروغن وسیب زمینی و طلاو نقره ومواد خوراکی و پوشاکی و ساختمانی واصل می گردید. البته دنبال هر ترقی دلیلی برای اقناع خریدار ذکر میشد :

گرانی تخم مرغ را مربوط به بسته بودن راه مازندران از برف ، گرانی روغن را بواسطه خرابی جاده غرب، گرانی قماش رابواسطه ترا کم راه‌آهن وغیره عنوان میکردند . ولی اگر علت ترقی تمام قیمتها راباهم میپرسیدید دیگر جواب قانع کننده‌ای نمی شنیدید و از وقتی‌هم که درآخر آبان ماه ۱۳۲۱ قانونی گذشت و اجازه انتشار اسکناس از مجلس به‌هیئت نظارت اندوخته اسکناس منتقل گردید دیگر وسیله ای نداشتیم بدانیم انتشار اسکناس تاثیری در افزایش بهای اجناس دارد یاخیر .

خدا عمر بدهد آقای نراقی نماینده مجلس راکه معمارابرای ما کشف کرد ، آقای نراقی توضیح دادند که از ۲۸ آبان تاآخر اسفند ۱۳۲۱ معادل ۱۱٤۷ میلیون ریال توسط هیئت نظارت اسکناس جدید منتشر شده است. دیگر با این توضیح جای تردید نمی‌ماند وعلت گرانی بر ما معلوم شد .

بعقیده ما هرانتشار اسکناس جدیدی خواه متکی به پشتوانه فلزی باشد خواه نباشد اگر در مقابل احتیاجات اقتصادی انجام نگیرد باعث ترقی قیمت‌ها میشود علمای اقتصاد سالهاست به‌تجربه ثابت کرده اندکه کمی یا زیادی وسیله خرید تاثیر مستقیم درگرانی یا ارزانی دربازار دارد ـ اگرپولی که در بازار معینی در دسترس خریداران است زیاد شودبدون اینکه مقدار مال‌التجاره موجود زیادشود بهای اجناس بالامیرود حال ملاحظه کنید درآخرشهریور ۱۳۲۰ موقع تغییر سلطنت مقدار اسکناسی که انتشار یافته و در دسترس مردم بود از ۱۸۰۰ میلیون ریال تجاوزنمیکرد ـ در آخر آبان سال گذشته این مقدار به ۳۵۰۰ میلیون ترقی یافته بود و اینك آقای نراقی بمااطلاع میدهند که بعوض ۳۵۰۰ میلیون درآخر اسفند ۱۳۲۱ معادل ٤٦٤۷ میلیون اسکناس دردست مردم بود ـ بدینطریق دریکسال ونیم میزان اسکناس یعنی وسیله خرید در بازار دوبرابرونیم شده است . آیا درین یکسال ونیم مقدار مال التجاره مورد عرضه بهمان نسبت زیاد شده است ؟ متاسفانه نه تنها مقدار کالا زیادنشده بلکه بامقایسه به‌شهریور ۱۳۲۰ آنچه در بازار موجود است از نصف میزان سابق هم کمتراست پس برای هریك کیلوکالائی که در بازار عرضه میشود تقاضا پنج یا شش برابراز سابق بیشتر است

منطقی است که بااین‌وضعیت قیمت اجناس هم پنج یاشش برابر شده باشد. بودن نقره یا طلای شمش یامسکوك یا ارز خارجی در بانك ملی ایران یادرافریقای جنوبی تاثیری درین قضیه ندارد وآنکس که هفت برابربیشتر پول درجیب

بقیه در صفحه هفت

گفتار هفتگی

تفسیر مقاله خانم لمبتون راجع بایران

نوشتجاتی که خارجیها نسبت به اوضاع این کشور منتشر میکنند غالبا ازین نقطه نظر شایان دقت است که طرز فکر دیگران را نسبت بافعال واعمال ما مجسم میسازد ودرواقع بمنزلهٔ آئینه‌ایست که درآن میتوانیم معایب و محسنات خودرا بقسمیکه در نظرسایرین جلوه میکنند به بینیم ودر صورت لزوم خودرا اصلاح کنیم .

ازهمین لحاظ مقاله خانم لامبتون کارمند اداره مطبوعات سفارت انگلیس درطهران که ترجمهٔ آن اخیراً در بعضی ازروز نامه‌ها منتشر شده ارزش دارد که هر شخص باسوادی آن رابخواند ودر اطرافش تعمق نماید .

اهمیت مقاله از حد معمول هم بیشتراست زیرا نویسنده آن بامحافل متنفذ خارجی این شهر معاشرت دارد ازطرز فکر آنها آگاه است و مسائل زنده و کنونی را که مطرح می کند می‌توان خواهی نخواهی انعکاس افکار آن محافل دانست .

چندجمله ازین مقاله توجه مخصوص مرا جلب کرد . عین عبارات نویسنده رابدون هیچ تحریف دراینجا ذکرمی کنم .

«راجع باستعداد ایرانیان اقوال مختلف است لیکن درباره عشق آنها به هنرهای زیبا و نیروی عقلانی آنها هم داستانند ولی از جمله نواقصی که به آنها نسبت میدهند باید دروغگوئی و جبونی ونداشتن پرنسیپ ونادرستی‌را نام‌برد ـ اما عقیده نگارنده برآنست که‌این قضاوتهامتکی بریك نظر سطحی راجع بخوی ایرانیان است این صفات بد عموما در میان درباریان دوره قاجار و سالهای آخر زمامداری رضاشاه در میان زمامداران امور شیوع داشت و چنانکه در بالا گذشت روش رضاشاه طوری بود که این رفتارهای ناپسندرا تشویق میکرد، اروپائیان بیشتر بااین طبقات سروکارداشتند و نتیجه‌ای راکه از آمیزش با آقایان میگرفتند نسبت بتمام ایران عمومیت میدادند»

درجای دیگر مقاله درهمین زمینه مینویسد:

«پس‌از کناره‌گیری رضاشاه ازتخت سلطنت درسپتامبر ۱۹٤۱ که نتیجه مستقیم ورود نیروی انگلیس وشوروی بایران بمنظور جلوگیری از اقدامات احتمالی آلمانها بود گسیختگی فوری درمراتبت شدیدی که در تمام شئون زندگانی بعمل میامدروی دادولی‌در دنباله آن تغییرات مهمی در طرز حکومت ظاهر نشد . صاحبان مقامات رسمی جزچند استثناء در سرکار باقی‌ماندند

وحشتی که رضا شاه در اذهان تولید کرده‌بود از بین‌رفت لیکن بر خلاف آنچه انتظار میرفت مقامات رسمی از وجود عناصر فاسد تصفیه نگردید این پیش آمد چند علت داشت :

بقیه درصفحه هفت

کارمندان روزنامه امید مراتب تاثر خود را از در گذشت د. شیزه نا کام فروغ فلسفی ابراز نموده و بدین وسیله بخانواده‌های محترم فلسفی ـ مرزبان اعتمادمقدم ـ شهیدزاده ، ازاین مصیبت وارده تسلیت عرض میکنند .

مصاحبه مخصوص مدیر این روزنامه بامستر کیسی وزیر کابینه انگلیس

هیچ مملکتی نسبت بایران ادعای ارضی ندارد . ایران نماینده مخصوص در شورای بعد از جنك خواهد داشت

خاتمه جنك معلوم نیست.

مستر کیسی وزیر کابینه انگلیس در خاورمیانهٔ باقیافه خندان وبشاشی به سئوالهای ما جواب میدهد . با چشمان درشت و هوشیار به گیلاس آبی که در دست دارد نگاه کرده‌و مانند فالگیری که منتظر الهام‌است باکلمات شمرده ومحکم پاسخ‌میدهد

س ـ راجع بوضع ایران در خاتمه جنك کنونی چه فکر می کنید؟ هیچ مملکتی حق دارد نسبت بایران ادعائی داشته باشد ؟

ج ـ هیچ مملکتی ادعائی نسبت بایران نخواهد داشت . شما به منشور آتلانتیك وقراردادهای دیگری که دارید اعتماد کامل‌داشته باشید. راجع‌بوضع بعداز جنگ‌ایران وهیچ کشوری سوای این قسمت که گفتم امروز نمی‌توان قضاوت قطعی وعاقلانه نمود .

س ـ باتوجه بنطق مستر چرچیل بتاریخ ۲۱ مارس ۱۹٤۷ که اشاره بشورای آسیا شده‌است و اظهارنظر نموده است که دول کوچك بعد از جنك باید بایکدیگر تشکیل اتحادیهٔ بدهند و یك نماینده از طرف خود بشورای عالی آسیا بفرستند، تصور میفرمائیدایران هم‌باید بادول‌دیگری شرکت کند و یا به تنهائی نماینده خواهد داشت .

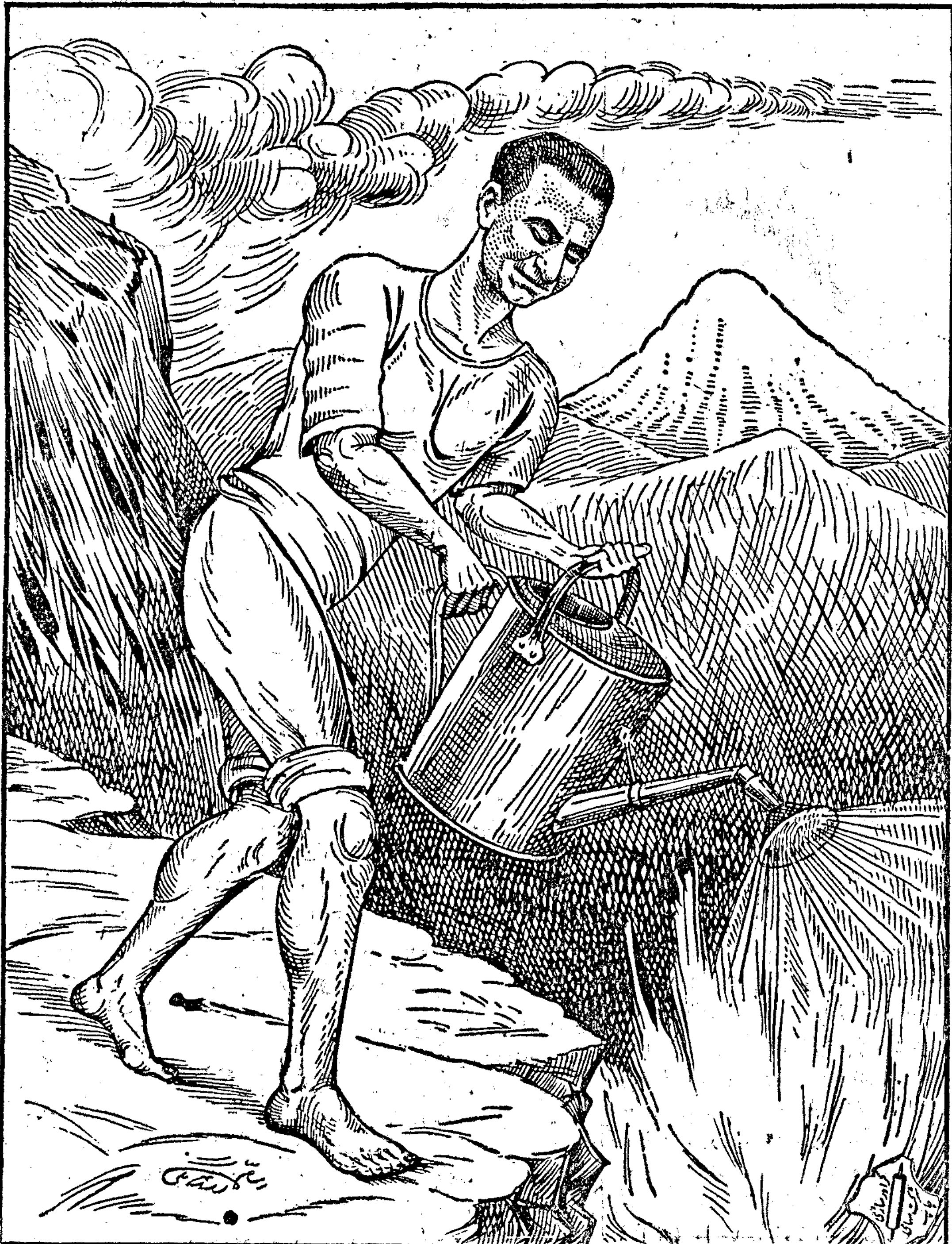
ج ـ من اطمینان کامل دارم که با ایران بعد از جنك رفتار بسیار عادلانه خواهد شد . ایران محتاج باین‌نیست که بادولت دیگری‌شرکت کرده ونماینده اعزام دارد . خود به تنهائی نماینده خواهد داشت . من **بآتیه‌خوب ایران اطمینان کامل دارم .**

س ـ بنظر شما جنك کی تمام خواهد شد ؟



ج ـ مستر کیسی باخنده‌طولانی دست‌راست را روی شانه‌من گذارده گفت همین سئوال از کسی شدجواب داد دریك روز دوشنبه جنك تمام‌می شود . من هم همین جواب را بشما میدهم ولی بهرحال آنروزدوشنبه آتیه نخواهدبود

(چون روزنامه امید روز های دوشنبه منتشرمیشود ما این موضوع رابفال نیك میگیریم!)



با این آب صلح و سازش (محلول انتخابات) امید وارم آتش احساسات مجلس خاموش شود !

خانم‌داودی ـ شکایت شمارسید مشغول اقدام‌هستیم نتیجه‌را مستقیما باطلاع شماخواهیم رسانید.

.کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر در داخل و خارج از کشور به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران تعلق دارد

در هفته گذشته بر جهانیان چه گذشته است؟

در میدانهای جنگ

جبهه شوروی

درطی هفته گذشته دراوضاع جبهه شوروی تغییر قابل ذکری رخ نداده است . آلمانها دائماً سعی میکنند که روسها رااز (ایزیوم) و سرپل کوچکی که درآن‌ور رود دنتس هنوزدردست نیروی شوروی است بمانندولی باوجود حمله‌ های سخت ومتعدد موفق نشده‌اند. روسها درقفقاز جدیت می کنند که بندر نوروسیسك و شبه جزیره (تامان) را بگیرند و خودرا بتنکه کرچ برسانند ولی نیروی شوروی هم تاکنون موفق نشده است وفعلا این دو نقطه جبهه خاور مورد توجه میباشد .

در سایر قسمتهای جبهه شوروی عملیات محلی انجام میگیرد وچنان بنظر میرسد که دو حریف مشغول کنجکاوی هستند تانقطه‌های ضعیف خط جبهه دشمن راکشف کنند و از آنجا ها شروع به بتعرض نمایند .

دراین بین فعالیت هوائی طرفین شدت کرده است . شب جمعه یکدسته بسیار قوی از هواپیما های آلمان به شهر (کراسنودار) درقفقازحمله کرد. شکاریهای شوروی ٦٧ هواپیمای آلمان راسرنگون ساختند ولی سی هواپیمای شوروی هم دراین پیکارتلف شد . روز جمعه نیروی هوائی شوروی بیك فرودگاه آلمانی درنزدیکی لنین گراد دومرتبه حمله کرد و با وجود مقاومت شدید آلمانها بمنظور خودنائل گردید .

درطی نبرد هوائی دو شکاری آلمان سرنگون شد ودوتای دیگر درهمانموقع که میخواستنداززمین بلندبشوندنابود شدند و۱۳ هواپیمای دیگر روی زمین منهدم شد یاآسیب دید .

جنك هوائی

بطور کلی هفته گذشته بیش ازهمه هفته جنك هوائی بوده است .

نیروی هوائی انکلیس پنج شش روزاست که پی در پی بهدفهای مهم در آلمان و ایتالیا حمله میکنند بندر کوچك (اسپزیا) درایتالیا درنزدیکی (ژن) که مرکز ساختمان زیردریائی ها است بشدت هرچه تمامتر بوسیله سیصد بمب افکن بمباران شد بعداز آن یکی ازهدفهای مهم شهر (اشتوتکارت) در آلمان بود و بالاخره شب شنبه بزرگترین حمله هوائی انکلیس در ظرف سال جاری برعلیه کارخانهای اسلحه‌سازی (اشکودا) واقع در شهر (پیلسن) چکوسلواکی بعمل آمد و بیش‌ازششصد بمب افکن دراین حمله شرکت نمودند و ۳۷ تا از آنها تلف شد همان‌شب بندر داخلی (مانهیم – لود ویکسهافن) درآلمان بسختی بمباران شد و۱۸ هوا پیمای انکلیسی هم‌دراین حمله ازدست رفت .روز شنبه بمب‌افکن‌های امریکا درروزروشن به بندر (برمن) درآلمان حمله کردند .

غالبا هرشب که این حمله‌های بزرك نیروی هوائی متفقین در مغرب آلمان بعمل میآید .

نیروی هوائی شوروی ازطرف دیگر درمشرق به بمباران شهرهای آلمان می‌پرداخت بطوریکه در ظرف یکهفته چهار بار بشهر (کینك برك) درپروش شرقی ودومرتبه بندر دانزیك ویکدفعه هم شهر (تیلیست) رابمباران کرده است حمله اخیر که در همان شب که (پیلسن) را انکلیسها بمباران میکردند و برعلیه (تیلسیت) و (کینکبرك) بعمل آمد و برای روسها بقیمت سه بمب افکن تمام شد ولی مدت دو ساعت طول کشید و حریقهای متعدد برپاشد .

درایتالیا هم شهر های (ناپل) ودرجزیره سیسیل (مسین) و (پالرم) و غیره درظرف هفته چندین مرتبه بدست نیروی هوائی انکلیس یاامریکا بمباران شده است .

جبهه افریقای شمالی

در ظرف هفته گذشته نیرو های متفقین از جنوب و مغرب بنیروی محور سخت فشارآورده پس‌از تصرف قیروان وسوس تا (انفیداویل) رسیدند. ازوقتی که ارتش هشتم انکلیس خط (مارت) را شکافته است متفقین از نیروی محور سی‌هزار اسیر گرفته‌اند.

ژنرال ایزنهور امریکائی اظهار کرد چون محور مجبور شده بود در مقابل ارتش امریکائی ژنرال (پاتن) سی و هفتهزار سرباز را معطل نند باین جهت کارارتش هشتم انکلیسی خیلی آسانتر شد .

نیروی امریکا ٤٦٨٠ اسیر گرفته و ٦٩ توپ ومقدار زیادی غنائم دیگر بچنك آورده و تلفاتش عبارت از۹۰۳ تن کشته بوده است . مجموع تلفات امریکائیها ازکشته و زخمی و مفقود واسیر بالغ بر ٥۳۷۲۲ نفر شده‌است.

در اواخر هفته دراوضاع تونس تغییر مهمی رخ نداده است . نیروی محور دریك نیم‌دائره کوچك میان نیروی انکلیس وامریکا و فرانسه از یك طرف و دریای مدیترانه‌از طرف دیگر تقریبا محاصره شده وبطوری که ایزنهور گفته است :

«بدریا ریخته خواهدشد .» شایع است که آلمان و ایتالیاکشتیهای زیاد بطرف تونس فرستاده و میخواهند اینجا را بکلی تخلیه کنند و بروایتی عملیات تخلیه شروع شده‌است.

ژنرال دوگل اظهار کرده است که نیروی فرانسه که تحت فرمان او قرار دارد بچهل هزار نفر بالغ میشود ومطمئن است که دست کم سی هزار نفر را با خود بفرانسه خواهدبرد . این عده غیر از نیروئی است که تحت فرمان ژنرال ژیرو قراردارد.



مارشال سربرتین‌سوتن مارشال هوا پیمائی انگلستان درپشت میز کار خود

ثروت تونس

در این موقع که نزدیك است متفقین تمام کشور تونس را اشغال نمایند بیمناسبت نیست چند کلمه راجع بمنابع ثروت معدنی و فلاحتی افریقای شمالی فرانسه گفته شود.

در سال ۱۹۳۸ بموجب آمار رسمی محصول فلاحتی افریقای شمالی عبارت بوده است از ٤۲ میلیون کنتال حبوبات (گندم ، جو، ذرت و غیره) هر کنتال معادل یکصد کیلو گرام است

۱۸ میلیون هکتولیتر شراب (هر هکتو لیتر معادل یکصد لیتر است – یك میلیون کنتال روغن زیتون – ۱۹ میلیون کنتال توتون و مقدار زیادی ابریشم و خشکبار و چوب پنبه وسیب زمینی وغیره

دامپروری در افریقای شمالی خیلی توسعه یافته است بطوریکه در سال ۱۹۳۸ نوزده میلیون گوسفند و ده میلیون بز و صد میلیون و دویست هزار گاو و عده زیادی خوك و شتر و غیره وجود داشت .



محصولات معدنی افریقای شمالی خیلی مهم است خصوصا کشور تونس دارای معادن آهن و کوبالت و (وولفرام) است .

این دو ماده اخیر دراسلحه‌سازی نهایت اهمیت را دارند همچنین فسفات های فراوان تونس برای کشور زراعتی لازم است .

تونس بیش از یکهزار کارخانه روغن کشی دارد که سیزده تا از آنها کارخانهای بسیار بزرك مجهز بماشین آلات جدید میباشند . در ناحیه قیروان خصوصا باغهای زیتون مانند جنگل انبوهی بهم پیوسته است . قالی بافی هم چندسال است خیلی توسعه یافته است .

۲– خبرهای متفرقه

عراق

مستر کیسی وزیر انکلیسی برای خاور میانه که چند روزی در تهران بود روز شنبه مراجعت کرد و وارد بغداد شد

ترکیه

ژنرال ویلسن فرمانده نیروی انکلیسی در خاورمیانه وارد آنکارا شده و باروسای ارتش ترکیه مذاکراتی کرد.

دو تن از وزیران بلغارستان در ضمن نطقهای خودخواسته بودند موجبات تیرگی روابط بین روسیه و ترکیه را فراهم سازند . روزنامه (ایزوستیا) چاپ مسکو خاطر نشان می کند که طی بیست و پنج سال گذشته دولت ترکیه سیاست حسن همجواری نسبت بروسیه شوروی پیش گرفته است و از طرف دیگر روسیه همیشه بخاطرخواهدداشت که در این ۲٥ سال دولت بلغارستان دو مرتبه در صف دشمنان ملت شوروی قرار گرفت .

قرار بودروز (۱۸ آوریل) دیروز مبادله اسیران جنگی انکلیسی و ایتالیا یعنی آن عده که دیگر قادر بخدمت نظام نیستند – در بندر ازمیر ترکیه بعمل آید

بلغارستان

رئیس کمیسیون امورخارجه مجلس بلغارستان هنگامیکه باداره خود می رفت بدست شخص ناشناسی کشته شد نامبرده اخیرا نطقی برعلیه دولت شوروی و بلشویسم ایراد کرده بود .

یونان

عملیات میهن پرستان یونان بر علیه قوای اشغالی محور شدت میکنند بطوریکه ده لشکر ایتالیائی و سه لشکر آلمانی برای جلوگیری ازاغتشاش و انقلاب در یونان تمرکز یافته اند . معهذا میهن پرستان یونان ازتظاهرات برعلیه محور خود داری نمیکنند و بطوریکه خبر میرسد روز ۲٥ مارس بمناسبت جشن استقلال یونان درشهر (آتن) نمایشهای شور انگیزی بوقوع پیوست .

رومانی

درطی هفته گذشته مارشال آنتونسکو نخست وزیر رومانی با هیتلر ملاقات کرد از قرار معلوم هیتلر بدولت رومانی خاطر نشان نموده است که رومانی نه تنها از روسیه بلکه از انکلیس و امریکا هم باید بترسد به عبارت دیگر هیتلر معتقد است که از طرف انکلیس و امریکا خطری متوجه بالکان میباشد

امریکا – کانادا

• در مجلس شورای انکلیس معاون نخست وزیر خبر دادکه هشت تن از نمایندگان مجلس کانادا از طرف دولت انکلیس برای اواخر ماه مه یا اوائل ژوئن دعوت شده اند

مکزیك

•قاتل تروتسکی به بیست سال حبس محکوم شد

اتازونی

•وزیر دارائی امریکا انتشار سهام یك قرضه کلی بمبلغ ۱۳ میلیارد دولار را برای «تشکیل جبهه دوم» اعلام نمود .

•کردل هول وزیرامور خارجه اتازونی اظهارداشت که تصمیمات انجمن (کازابلانکا) بهیچوجه تغییر نخواهد کرد وآلمان و ایتالیا باید بدون شرط تسلیم شوند و بهیچ طریق دیگری بامحور صلح امکان نخواهد داشت

• (والاس) نایب رئیس جمهور امریکا هفته گذشته در امریکای جنوبی بود و احتمال میرود از آنجا از راه مصر بروسیه برود

اقیانوسیه – استرالیا

• چندیست که ژاپنی ها قوای شکرفی درجزائر شمال استرالیا تمرکز میدهند . مطلعین نظامی این نیرو را به دویست هزار نفر تخمین میزنند و احتمال میدهند که ژاپنی ها بهمین زودیها به استرالیا حمله خواهند کرد .

بنا بتقاضای نخست وزیر استرالیا مستر (اوارت) وزیرامورخارجه استرالیا در جلسات هیئت وزیران انکلیس در لندن شرکت خواهد نمود.

مسلمانان چین

تازه‌ترین آمارها کیست که ازچهار صدوپنجاه میلیون نفوس کشور پهناور چین پنجاه میلیون نفر پیرو آئین مقدس اسلام میباشند . اگراین نکته رادرنظر بگیریم که نفوس کلیه کشورهای خاور میانه رویهم رفته باین پیکره بالغ نمی شود باسانی تصدیق خواهیم کرد که جمهوری بزرك خاور دور رابابد در ردیف اول کشور های اسلامی قرارداد

این مسلمانان که ازما اینقدردور هستند آیا سنن مذهبی خود را چنانچه شاید وباید محفوظ داشته اند؟ آیا آداب ورسوم تمدن اسلامی رامراعات میکنند وآیا باسایر چینی‌ها تفاوت مخصوصی دارند ؟

چون آقای (عثمان وو) معاون ژنرال (عمربی) رئیس اتحادیه مسلمانان چین درمصر حضور داشت درموقع استفاده کرده دراینباب پرسشهائی کردیم اینك اظهارات آقای عثمان وو .

«مسلمانان چین برسوم و آئین اسلام در طی قرون متمادی وفا دار مانده اند. و از این لحاظ با سایر مسلمانان جهان تفاوتی ندارند .

مسلمانان چین سنی حقیقی هستند اما قانون مذهبی عملا کمتر مراعات میشود زیرا همه چینیها تابع قوانین کشوری میباشند .

ولی اتفاق می‌افتد که در بعضی مسائل شخصی مربوط بسازمان خانواده و غیره اختلافاتی پیدا شود و در این صورت موجبات نزاع بوسیله حکمیت مرتفع میشود باین معنی که طرفین حکم هائی معین میکنند و بدون مداخله مراجع قضائی دولتی قضیه‌رافیمابین خودشان تصفیه مینمایند.

خانواده مسلمان در چین ازلحاظ ساختمان با کشور های دیگر اسلامی فرق دارد . مثلا تعدد زوجات و طلاق در چین بهیچوجه وجود ندارد این مشکله علی‌الظاهر نتیجه بعضی عوامل محلی است که در سایر جا ها وجود ندارد . بواسطه وجود همین عوامل نیز مسلمانان چین با سایر هم میهنان خود درنهایت صلح وصفا زندگی میکنند . درچین آزادی عقائد همیشه محترم بوده است

راجع باین پرسش که مسلمانان چین بچه وسیله بزبان عربی که برای مسلمانان دانستن آن لازم است آشنا میشوند، آقای عثمان وو چنین پاسخ داد که عده‌ئی «آخوند» در مساجد چین وجود دارند که زبان عربی را می‌دانند و برای دانستن سنن وآداب اسلام بکتابهای عربی مراجعه‌مینمایند در میان مساجد چین برخی نمونه‌های زیبائی از معماری اسلامی در خاور دور بشمار میروند.

چند سال است که جامعه الازهر مصر هم عده‌ئی مبلغین اسلامی بچین فرستاده است که اکنون‌درپکن اقامت دارند.

راجع باتحادیه مسلمین هم که عثمان وو یکی از قائدین آن میباشد اظهار شد که اعضای این اتحادیه با مارشال چان‌کای‌شك برای نجات میهن خود همکاری مینماید.

«اقتباس از ایماژ چاپ مصر»



مهاراجه جم صاحب نوانگر بنمایندگی هندوستان درکابینه جنگ انگلستان شرکت نموده است.

خلاصه خبرهای کشور

دولت

آقای الهیار صالح وزیردارائی تقاضای یکماه مرخصی کردند وازطرف آقای نخست وزیرموافقت شده .

کمیسیون دائمی جیره‌بندی طبق تصویب‌نامهٔ هیئت دولت ازاین‌ببعد مرتبا دروزارت خواربار تشکیل خواهد شد .

مستر کیسی وزیر انگلیس در خاور میانه بایران وارد و با مقامات رسمی ملاقاتها ومذاکرات مفصلی راجع‌ببهبودی خواربار ایران بعمل‌آورده وبقاهره مراجعت کردند .

هیئت نظامی ایران که بقاهره دعوت‌شده بودپس ازخاتمه مطالعه در هفته گذشته بتهران بازگشت نمود .

آقای دکتر مصباح زاده مدیرروزنامه کیهان بریاست اداره تبلیغات کشور منصوب واین‌حسن انتخاب ازطرف عموم‌استقبال گردید.

آقای تدین وزیرخواربار از تبریز بتهران مراجعت نمودند.

آقای نخست وزیر رسما بمجلس مژده ۲٥ هزار تن گندمی را که دولت شوروی برای کمك بخواربار ایران وعده داده است اعلام‌داشتند.

مجلس

لایحه‌خرید دوا و بودجه کارگزینی و کلانتریهای مرز تصویب گردید.

از دولت راجع بزمینهای سنگلج و نظری که شهرداری در اینمورد اتخاذ کرده است سئوال‌گردید.

از دولت در خصوص تصمیمی که در مورد کناره‌گیری مهندسین از کار اتخاذ گردیده توضیح خواسته شد.

اختیارات رئیس کل دارائی در کمیسیون دارائی و بازرگانی وپیشه و هنر تحت مطالعه و ممکن است با تعدیلی که بعمل آمده است تصویب گردد.

لایحه مستخدمین قرار دادی وزارت پست و تلگراف تقدیم‌مجلس‌شد

لایحه بیمه کارگران کارخانجات در کمیسیون مطرح وشور اول آن خاتمه یافته است.

مطبوعات

لحن مطبوعات در هفته گذشته بطور کلی نسبت بدولت تند تر شده ومخصوصا نسبت‌بگرانی‌زندگی و سستی که از طرف دولت نسبت باین موضوع ...انی شده است انتقادات سختی شده‌است .

عموما مطبوعات نسبت بلوایحی که‌از طرف وزارت کشاورزی از مورد رفاه کشاورزان تقدیم مجلس شده اظهارخشنودی کرده اند .

از پایان جرائد ملاقات با مستر کیسی وزیر انگلستان را با حسن نظر تلقی نمود و از قول هائی که ایشان داده اند اظهار خوشوقتی کرده اند .

روزنامه بابا شمل با طرز جالبی منتشر شد شماره اول روزنامه نبرد امروزموردتوجه‌خوانندگان‌پایتخت‌قرار گرفت.

خوشبختانه روزنامه مرد امروزاز توقیف خارج و باعث مسرت همکاران دیگر گردید.

ما از توقیف روزنامه نوبهار بیاندازه متاسف و تعجب‌می‌کنیم چرا هنوز رفع زحمت از آن روزنامه وزین مورد توجه عامه نشده است‌شماره اول روزنامه جودت از اردبیل رسید و باعث خوشوقتی همکاران‌است

متفرقه

اخیرا درتهران جمعیتی بنام «رهبران‌فرهنك» از دبیران‌آزموده فاضل‌وکارکنان باتجربه فرهنگی تشکیل گردیده ومنظور این جمعیت بطوری‌که در نخستین بیانیه خود اشعار داشته اند اصلاح امور فرهنگی کشور وطرح نقشه های عملی و اتخاذ سبك و اسلوب صحیح برای توسعه آموزش وپرورش میباشد

***

شعار جمعیت رهبران فرهنك «فرهنك مقدم بر همه چیز» است و مانیز معتقدیم که‌فرهنك و اصلاحات فرهنگی‌چه امروز وچه درآینده باید سرلوحه برنامه تمام دولتهائی باشدکه‌روی‌کار می‌آیند و امیدواریم این جمعیت بتوانند از وجود آقای‌دکتر سیاسی وزیر فرهنك که خود در راه آموزش‌وپرورش زحمتها کشیده‌وتجربه ای پربها آندوخته اند درراه‌پیشرفت‌مقاصداصلاح‌طلبانه خود بحد اکمل استفاده‌کنند .

.کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر در داخل و خارج از کشور به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران تعلق دارد

پیش بینی جنك جهانگیر کنونی

در ۱۵۴ سال پیش

سطور زیر از مقاله‌ای اقتباس شده است که یکی از نویسندگان اطریش در سال ۱۹۳۷ ، یعنی پیش از اشغال آنسر زمین از طرف سربازان آلمان، در روزنامه اطریشی « نیوزواینر ژورنال» نوشته . درین زمان هنوز کشور اطریش استقلال داشت و از جنك جهانگیر فعلی اثری نبود

از قدیم الایام در دنیا اشخاص متعددی غیب گوئی میکرده و مردمان زیادی هم بگفته های ایشان کور کورانه ایمان داشته اند . با اینکه تا کنون برای اینگونه غیب گوئی ها که گاهی نیز باحقیقت مطابق آمده است پایه و اساس علمی پیدا نشده هنوز هم در جهان متمدن طرفدار دارد و جمع کثیری از اولاد آدم همیشه در انتظار حدوث وقایعی که از طرف غیبگویان پیش بینی میشود هستند .

یکی از ینگونه غیبگوئی‌ها مطالب کتابیست که من در این مقاله از آن بحث می کنم . این کتاب برحسب اتفاق بدست من افتاد .

یکروز فهرست کتابخانه ملی شهر وین را ورق میزدم عنوان کتابی نظرم راجلب کرد . عنوان کتاب این بود

پیش بینی های یکنفر کشیش پیر لهستانی درباره حوادث آینده جهان ازسال ۱۷۹۰ تا سال ۲۰۰۰ « که تاریخ انقراض عالمست »

چندد قیقه بعد بکتابخانه ملی رفتم و با اشتیاق و هیجان زیاد کتاب کهنه گرد وخاك گرفته‌ای را که اوراقش از گذشت زمان زرد شده بود گرفته بمطالعه پرداختم ، خلاصه مطالبی که در این کتاب گرانبها خواندم ازاین قرار است :

صومعه‌ای درمیان جنگل زمردی که این کتاب‌را طبع ومنتشر کرده از نام و مقام خود چیزی ننوشته است . همین قدر مینویسد که در سال ۱۷۹۰ میلادی در ضمن سفری که ازشهر ریگا بیکی از دهستانهای لهستان بنام سالن میکردم

Höchst merkwürdige
bis auf die heutigen Tage pünktlich in Erfüllung gegangene
Prophezeyungen
eines
alten Mönches in Pohlen
vom
Jahre 1790 bis zum Ende der Welt
im Jahre 2000.
BIBLIOTHEK DER K.K. OBERSTEN POLIZEIBEHÖRDE
Aufgefunden und ausgezogen aus einer alten Kloster-Chronik.
Leipzig, bey Franz Lima.

صفحه اول کتاب « پیش بینی کشیش لهستانی در سال ۱۷۹۰ »

در جنگل گم شدم چون شب فرارسیده بود و اسب من هم ازخستگی یارای رفتن نداشت ناچار بجانب صومعه‌ای که درمیان جنگل پدیدار شدرفتم واز کشیشی که در رابرویم باز کرد خواهش کردم که اجازه دهند آنشب رادرآن جا بمانم و صبح فردا راه خود پیش گیرم .

« پس ازآنکه مرا بدرون صومعه بردند یکی از کشیشان بمن مهربانی بسیار کرد و تمام شب رابامن بگفتگو های سیاسی صحبت درا طراف حوادثی که آن ایام در فرانسه روی‌داده بود پرداخت (مقصود مقدمات انقلاب فرانسه وحوادث سالهای ۱۷۸۹ و ۱۷۹۰ است) در خلال این مذاکرات این کشیش سخن از آینده جهان پیش کشید و پیش‌بینی هائی کرد که مایه تعجب من شدوچون مرامتحیر دیدسر اطلاعات خودرا برای من آشکار ساخت.

گفت : « من هیجده ساله بودم که باین‌صومعه آمدم . کشیش بزرك اینجا در آن زمان هشتادسال داشت . مردی بود بسیار دانشمند و مطلع که همه براو بچشم ستایش و احترام مینگریستند این مرد بزرك هنگام مرك بمن که نزدیکترین شاگردان او بودم از آینده جهان چیز هائی گفت که تا امروزکه شصت سال از آنتاریخ می‌گذرد بسیاری از آنها عینا واقع شده است.»

« چون من اصرار فراوان کردم این کشیش حاضر شد که قسمتی ازپیش بینی‌های استاد خود را برای من بگوید و مطالبی که در این کتاب می‌خوانید خلاصه ای از بیانات اوست . »

این بود شرحی که ناشراین کتاب در مقدمهٔ آن نگاشته است اصل کتاب که ما نمونه صفحه اول آنرا با مهر کتابخانه ملی وین درینجا نقل می کنیم درسال ۱۷۹۰ در شهر لایپزیك ازشهر های معروف آلمان درچاپخانه فرانتس لیما بطبع رسیده ونسخه ایست که در آن هیچگونه ظن جعل و تقلب نمیتوان برد . خلاصه پیش بینی های کشیش لهستانی که در این کتاب نقل شده ازاینقراراست

اوضاع جهان در سالهای آخر قرن هیجدهم

می نویسد که «درسال های ۱۷۹۰ ۱۷۹۱ ملت فرانسه بشورش وانقلاب ادامه خواهدداد واختیارات شاه رابکلی ازو خواهدگرفت . ملت کسانی راکه خود مایل باشد برای حکمروائی انتخاب خواهد نمود ودر سال ۱۷۹۳ ازین‌حد نیز تجاوز کرده شاه فرانسه رامثل یکنفر مقصرعادی خواهدکشت.... هوش بشری ماشینی اختراع خواهدکردکه پادشاه فرانسه وملکه وهزاران کس از افراد آنکشور بوسیله آن کشته میشوند.».

مقصود ازین ماشین گیوتین است البته گیوتین درسال ۱۷۸۹ یعنی پیش‌ازچاپ این کتاب اختراع شده‌بود ولی‌همانطور که کشیش لهستانی پیش بینی کرده‌است دورهٔ کمال فعالیت آن‌سال ۱۷۹۳ بود

بعد میگوید : « که‌در همین سال پروس وروسیه بازلهستان رامیان‌خود تقسیم می کنند» وفی‌الحقیقة تقسیم دوم لهستان در۱۷ماه ژوئیه همین سال در شهر گردنو صورت گرفت !

البته برخی‌از پیش بینی های کشیش لهستانی هم‌صورت وقوع نیافته‌است . مثلااو می نویسد که درسال ۱۷۹۶ زلزله سخت روی خواهد داد وآب دریا در سال ۱۸۰۰ قسمتی ازخاك‌هلند رافرا خواهدگرفت . درصورتی که ازحدوث این وقایع در تاریخ اثری نیست .

حوادث قرن نوزدهم

چیزی که‌جالب دقت است اینکه کشیش لهستانی بظهور ناپلئون هم‌اشاره‌ای نکرده ولی‌مینویسد که: «درسال ۱۸۰۵ میان فرانسه اطریش جنگی درخواهد گرفت واطریش برای‌اینکه‌ازاضمحلال کشور خودجلوگیری کندبشرائط سنگین صلح تن درخواهد داد» این پیش بینی کاملاصحیح‌است چون‌در همین زمان بود که ناپلئون به‌اطریش‌حمله بردوامپراطور اطریش برای اینکه‌از اضمحلال کشور خودجلوگیری کندناچار بصلح پرسبورك (درسال ۱۸۰۵) راضی شد.

کشیش غیب گوچنگی هم درسال ۱۸۰۷ میان فرانسه وپروس پیش‌بینی کرده ولی این جنك پنج سال بعدروی داد .

باقی پیش‌بینی‌های او راجع بفرانسه تماما صورت وقوع یافته است چنانکه راجع بانقلابات سال ۱۸۳۰ صریحا نوشته‌است که : «درسال ۱۸۳۰ انقلاب تازه‌ای در فرانسه روی میدهد که‌در نتیجهٔ آن یك حکومت بیدوامی روی کار می‌آید.» ومقصودش‌از این‌حکومت دوره پادشاهی‌لوئی فیلیپ است که با انقلاب ۱۸۳۰ روی کار آمدو باانقلاب سال ۱۸۴۸ از سلطنت خلع گردید

راجع بانقلاب سال ۱۸۴۸ نیز چنین نوشته است :«انقلاب خونینی‌در فرانسه‌روی‌خواهدداد که بزودی‌سراسر اروپارا فراخواهدگرفت وبسیاری از پادشاهان و یك ملکه را از سلطنت محروم خواهدکرد .»

از جمله پیش بینی‌های او درباره نیمهٔ‌دوم‌قرن نوزدهم یکی‌ظهورطاعونی است درسال ۱۸۸۹ و درست‌درهمین سال مرض‌گریپ در اروپا بروز کردو موجب مرك‌عده کثیری‌ازمردم کشورهای آن سرزمین گردید

جنك درسال ۱۹۳۸

در پیش بینیهای کشیش لهستانی از جنك عالمگیر گذشته بخصوص نامی برده نشده است ولی مینویسد که در آغاز این قرن مقررات و تشکیلات اجتماعی جهان برهم خواهد خورد و میگوید :« علانیه می‌بینم که در اوائل این‌قرن سرنوشت بشر تغییر میکند.

پس از سال ۱۹۰۰ در بسیاری از کشورها شاهزادگان برپادشاهان قیام میکنند وملتها برضد حکومتهاسر بشورش بر می‌دارند. پسر ها پدر ها میکشند و جامعه بشری از برادرکشی فرسوده میشود . وقایع بدین منوال خواهد بود تا سال ۱۹۳۸ . دربن‌سال یك‌جنك جهانگیر بزرك ظهورخواهد کرد. سراسر جهان دستخوش کشتار وویرانی خواهد شد و بزرگترین شهر های دنیا باخاك یکسان خواهدگشت.

« عاقبت در سال ۱۹۸۶ دوباره صلح و آرامش در جهان بر قرار می شود. درسالهای بعدهر کس بمیل‌وسلیقهٔ خویش زندگی خواهدکرد ودین مسیح هزار صورت‌مختلف خواهدگرفت ..»

سپس کشیش غیبگو از حوادث جهان پیش از انقراض سخن‌گفته‌است میگوید که‌در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ آفتاب تماما خواهد گرفت وستارکان دنباله دار ظاهر خواهندشدو بارانهای سیل آسا فرو خواهد ریخت. در سال ۱۹۹۶ زمین لرزه سختی‌سرا سر شبه جزیره ایبری (اسپانی و پرتقال) را بزیر آب فرو خواهد برد وسرانجام در سال ۲۰۰۰ عمر جهان بسرخواهد رسید. ستارکان دم دار و بی‌دم بیشماری از آسمان بر زمین ریخته آن‌رامشتعل خواهندکردومسکن‌اولادآدم بدینطریق از میان خواهدرفت.

دکتر پول لیخ تنك

***

خداکند که پیش بینی کشیش لهستانی در باره پایان جنك کنونی‌مثل‌قسمتی‌ازپیش بینی‌های او دروغ در آید وگرنه‌تاسال ۱۹۸۶ کسی زنده نخواهد ماند که بوصال صلح برسد!

« امید »

نیمه‌دل

اثر طبع آقای کاظم رجوی

بسی افسانه شیرین و پر مغز
کنون بشنو زمن افسانه‌ای نغز
شنیدی بیشك از «دلهای کامل»
که یاد آمد مرا از «نیمهٔ‌دل»

شنیدستم که یزدان توانا
درون سینه های هریك از ما
چو خواهد پیکر ما آفریدن
دو نیمه‌دل نهد چون‌موم وآهن

بدینسان هریك ازدلهادو نیم است
یکی برخشم‌ودیگربر زبیم است
یکی بسیارسخت ودیگری نرم
یکی بسیار سرد ودیگری گرم

دلی‌نیمی ز آهن نیمی از موم
بدان ماندکه جفتی بلبل وبوم
بهم چسبیده در یك سینه باهم
درون یك قفس باشند همدم

بناچار اینهدو همرازی ندارند
هزار و بوم دمسازی ندارند
که‌موم‌وآهن‌اندرخوردهم نیست
چوهمسازی میان زیروبم نیست

ازینرو آدمی از روز دیرین
گهی باآن در افتدگاه با این
بدست این دو نیمه‌دل اسیراست
گهی‌ازهردوتا بیزار وسیراست

بامر این دو نیمه درتکاپوست
ولیکن نیکبختی‌دور از اوست
بدنبال خوشی و نیکبختی
شب وروزاست اندررنج‌وسختی

***

چو سالی چند بگذشت‌ازجوانی
بدو گوید :« که اندر زندگانی
«خرد» راهی نماید هرجوانرا
دلی یکرنك باید زندگان را

«برو پیداکن‌آن نیمه‌دل‌خویش
«بیار آن‌نیمه‌را درمنزل‌خویش
که اندر سینهٔ دیگر کس افتاد
بده نیمی زدل‌بر هرکه‌آن داد

«بیا، آن‌نیمه کاندر دل نهادی
«همینطوراین یکی نیمی که‌دادی
همان باشدکه بودی در پی‌آن!
چنان باشدکه‌او بوده‌است‌خواهان

درینصورت‌شما خوشبخت‌گردید
«وگرنه ، بازهم‌باید بگردید
چو دو دلدادهٔ دلدار و دلبر
هم او، هم‌تو پی دلهای دیگر

***

من این پند خرد را کاربستم
بناکه نیمه ای از دل گسستم
پی نیمه دلی گشتم زمانی
سپردم «پیشکی» بردل ستانی

گمان‌کردم که نیمی از دل من
یقین از وی گشاید مشکل من
درون سینه او جای دارد
چو من دل‌دادم اوهم دل‌سپارد

نگو ، یاروااساسا دل ندارد
بجز درسینه مشتی‌گل ندارد !
که تا نیمی دهد ، نیمی ستاند!
ازینرو رسم دل دادن نداند

بتدریج آن یکی نیمه دلم نیز
بخود گفتم که شاید این دلاویز
ببرد وگرد برمن کار مشکل
بیکجا دل برد یکجا دهد دل

ولی افسوس اینهم آرزو بود
شکار دل یگانه کار او بود
ندیدم ذره‌ای دل دربر او !
جزین فکری نبود اند رسراو!

***

خلاصه ، اندرین بازارگانی ،
ولیکن او که مفت و رایگانی
زدست من دلی بیحاصلی شد
دل‌من برد خود صاحبدلی شد

دگر دل‌بردن پیشین رها کرد
نمیدانی که بااین دل چه‌ها کرد
که بهتر از دلم گیرش نیفتاد
مسلمان نشنود ، کافر نبیناد

تهران - مهرماه ۱۳۲۱

پاسخ آقای - ا. خواجه نوری

؟

هزار و یك سئوال بجا

سئوال - چندی پیش در جرائد تهران بود که دولت‌در تهیه جمع آوری فواحش و ولگردان است، آیا درشهرستانها نباید این کار عملی شود

ابوالقاسم شریف ترك «از یزد»

جواب - آقای ابوالقاسم شریف ترك ، من درست سئوال‌شما را ملتفت نمیشوم ، آیا قصدتان از (تهیه جمع آوری) اینست که فواحش و ولگردان را دولت تهیه ، وبعد مثل محصول جمع آوری میکند یا اینکه مقصودتان اینست‌که دولت درصدد جلوگیری‌فحشا و ولگردی در تهران برآمده است ...

آنچه بنده اطلاع دارم اینست که دولتهای ما ، هرگز بطورمؤثری از راهی که باید درصدد جلوگیری فحشا و ولگردی برنیامده اند و اگر نتایج غیر مستقیم کارهای زمامداران را بتوانیم مستقیماً بگردنشان بارکنیم باید اعتراف نمائیم که هم فحشا وهم ولگردی روز افزون تهران ازحسن تدبیر ایشان است - حالا اگر تاسف و شکایتتان از اینست که چرا شهرستانها ازاین حیث از پایتخت عقب مانده اند ، جواباً عرض میکنم‌که خیلی متاسف نباشید ، چون بااین رویه‌ای که در پیش داریم عنقریب یزد شماهم بقدرسهم خودش از این نعمات بی بهره نخواهد ماند - ولی اگر شکوه شما اینست‌که چرا دولت‌در تهران فحشا و ولگردی را جلوگیری کرده و در شهرستانها نمیکند بازهم غصه نخورید، زیرا تاکنون که‌چنین‌عملی نکرده‌اند، وبرای آتیه هم چشممان آب نمیخورد...

این از این - اماآنچه را بمناسبت سئوال شما لازم‌میدانم بگویم ، ویقین دارم مواجه بامخالفت عده زیادی ناموس پرست دروغی یاعفت دوست جاهل خواهد شد ، اینست که هرشهری‌باید همانطوریکه مستراح عمومی را لازم میشمرد همانطورهم خانه‌های ممیزی شده وتمیزی برای رفع حاجتهای جنسی مسافرین عزب و غیره اجازه دهد - زیرا علمای اجتماعی میگویند ، و خودتان هم می بینید که اگر در شهری مستراح عمومی نباشد ناچار محتاجان بتنك افتاده ، درو دیوار پاك خانه‌های مردم را ملوث خواهند نمود ، واگر زن‌های نرخ دار عمومی سالم ممیزی شده هم در شهری نباشد ، اجباراً بدنبال دختران پاك معصوم افتاده و دامن آنهارا بیشتر آلوده مینمایند - این مسئله‌ای که در مواقع صلح و آرامش صحت دارد درهنگام جنك ووجود قشون بیگانه وگسیخته شدن رشته های دیسیپلین واخلاق وغیره بطریق‌اولی صدق میکند - اگر شهرداری ودولتهااین‌نکته مهم اجتماعی‌توجه کافی کرده بودند مسلماً غالب مستخلصین نظام‌وظیفه ماسوقاتهای شومی از سیفلیس وسوزاك بدهات خود نبرده بودند ، و نصف بیشتر اطفال بیچاره آنها مبتلا باین امراض خانمان برانداز نمی شدند و درسراسر کشور پهناور بدبخت ما مشتی علیل ومریض ازکارافتاده وجود مفلوك ورقت‌انگیز خود را سربارجامعه نمی نمودند اینهم یکی ازهزارها نتایج معکوسی است که‌بواسطه‌اجرای غلط نیات خوب نصیبمان شده وکسی‌هم متوجه‌آن نیست ..

آگهی ازطرف وزارت بهداری

بعموم اشخاصی که بیمار مبتلابه تیفوس دارند و میخواهند به بیمارستان یکهزار تختخوابی دوشان تپه معرفی نمایند اطلاع داده میشود که همه‌وقت نام‌ونشانی بیمار را تلفوناً یا کتبا یا شفاها بوزارت بهداری دفتر اطلاعات بیماران خبر بدهند تا در حمل آن‌بیمار بوسیله آمبولانس اقدام بعمل آید و البته برای اینکه مردم از سرایت بیماری و ابتلا مصون باشند باید از اقدام بحمل بیمار بوسیله درشگه و وسائط نقلیه عمومی و خصوصی خود داری نمایند .

نمرهٔ تلفون وزارت بهداری (۴۰۰۳ - ۴۰۰۲) میباشد که از ساعت هشت صبح الی ساعت هفت بعد ازظهر برای دریافت اطلاعات حاضراست. ش: ت-۲۰ وزارت بهداری

.کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر در داخل و خارج از کشور به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران تعلق دارد

سینما و نمایش

افق مفقود - یا - بهشت موعود

در سال ۱۹۳۵ در نتیجه جنگهای داخلی که دریکی از بخشهای کشورچین بروز نموده مستر «روبر کونوای» کنسول انکلستان در آن استان مامور میشود که بوسیله هواپیما نود تن ازانکلیسیهای مقیم شهر «باسکول» را نجات داده بشانکهای برساند.

چندین هواپیما دراختیاراو گذارده میشود مستر روبر قبلا زنان و کودکان را نجات داده باآخرین هواپیما خود و برادرش مستر ژرژ و چهار مسافر دیکر که یکی زن و ۳ تن مرد میباشند حرکت میکنند.

در بین راه مسافرین میبینند که خلبان بعوض پرواز بسوی خاور بسمت باختر میرود و چون دقت میکنند می بینند که خلبان انکلیسی نیست بلکه یکی از بومیهای آنکشور و بنظر از اهل مغولستان و یا تبت است. چون نه مستر روبر و نه سایر مسافرین از هوا نوردی اطلاع ندارند خودرا بدست قضاوقدر و اراده خلبان ناشناس میسپارند.

پس ازطی مسافت بعیدی هواپیما دردهکده‌ای فرود میاید ومسافرین با نهایت تعجب میبینند که جمعی از بومیان مانند اینکه قبلا ازفرودآمدن هواپیما اطلاع حاصل کرده باشند پیت‌های مملو ازبنزین و نفت را آماده نموده بخلبان تسلیم میکنند.

بدیهی است که دوباره بدون اینکه مسافرین بتوانند دخالتی کنند هواپیما اوج میکیرد و بمقصد نامعلومی پرواز میکند — چند ساعتی بعد کوهستانهای مستور از برف ویخ نزدیك میشود و مسافرین حس میکنند که موتورهواپیما آنطوریکه لازمست مرتب کار نمیکند برحسب دستور مستر روبر کلیه مسافرین بدنبالهٔ اطاق هوا پیما پناهنده میشوند دراین موقع اختیاراز چنك خلبان خارج میشود وهواپیما سقوط میکند،

مستر روبر و ژرژ بیدرنك پس از بررسی از حال مسافرین و اطمینان از سلامتی آنها باطاق خلبان شتافته اورا مرده میبابند — درکنار خلبان نقشه‌ئی که بدقت ترسیم شده دیده میشودودرروی نقشه نقطه‌ای که معرف همان دهکده ایست که شب قبل در کنارآن فرودآمده بودند نمایان است-ازروی نقشه مستر روبر میفهمد که فعلا آنها در نزدیکی مرز کشور تبت هستندولی روی نقشه یك مکان سفیدی نیز دیده میشود که میفهماند قسمتی از نواحی کشف نشده را نمایش میدهد.

سرما وطوفان عجیبی حکمفرماست بحدی که مسافرین هیچیك جرئت خارج شدن از هواپیما را در خود نمیبینند — در این دقائق یاس و نا امیدیست که ناکاه مسافرین با نهایت تعجب جمعی که ملبس بالبسه اهالی تبت میباشد در کردنه کوه میبینند که باانها نزدیك میشوند و تعجب آنها بیشتر میشود وقتی میبینند که رئیس آن جمع باانها نزدیك شده بازبان انکلیسی فصیح باانها خوش آمد میکوید.

رئیس این جمع خودرا بنام شانك معرفی نموده میکوید ما از ساکنین قریه‌ای در این نزدیکی هستیم و بی نهایت خوشوقت از پذیرائی شما خواهیم کشت.

مستر روبر با سایر همراهان طبق راهنمائی شانك وکسانش از کوههای صعب العبور کذشته و ناکاه در دره مصفائی چشمشان بقصور عالی و ابنیه معظمی میافتد که طبق آخرین سیستم ساختمان های جدید بنا شده و باغات با نزهت وسیعی اطراف آنهارااحاطه نموده است.

بمحض ورود بان زمین دخترمسلولی که همراه مسافرین است بهبودی میابد وآثار و نشانه های جوانی ونشاط بیحد وحصری در مسافرین انکلیسی پدیدار میکردد، کوئی درعالم رؤیا ببهشت حقیقی که جایکاه ارواح است رسیده‌اند.

پس از ورود بمنزل ورفع خستکی راه بهر یك از مسافرین البسه‌ئی داده میشود که کاملا باندام آنها برازنده و مانند اینستکه خیاط قابلی آنها را قبلا بتناسب بدن آنان دوخته است.

هرآن وهردقیقه بر عجایب این سرزمین پراسرار میافزاید وچون شانك هیچکونه پاسخ قانع کننده بسؤالات مستر روبر وسایرین نمیدهد آن بان برشك وتردید آنان افزوده کشته از روی قرائن حدس میزنند که ربودن آنها وآورد نشان باین سرزمین طبق نقشه معینی اجرا شده است.

اهالی این سرزمین که همکی قوی بنیه و بانشاط هستند بانهایت بشاشت وخوشروئی از مهمانان پذیرائی نموده کلیه وسائل راحتی آنان را فراهم می آورند — با وجود اینکه هیچکونه نکرانی وجود ندارد بالاخره پیمانه صبر مسافرین لبریز شده شانك رادر اطاقی که همه جمعند احاطه نموده بوی میکویند تاپرده از روی این اسرار بر ندارد وی رارها نخواهد نمود.

شانك میکوید یکانه کسی که میتواند پاسخ مقنعی بشما بدهد راهب بزرك ماو ایجاد کننده این سرزمین است که امشب مخصوصامرامامور نموده است مستر روبر رانزد وی هدایت کنم.

روبر پس از عبور از سالونهای کوناکونی که هریك با اثاثیه پر بها و مبلهای ذیقیمتی تزئین شده با طاق ساده‌ای میرسد که پیر سالخورده روی یك صندلی راحتی درانتظار اوست

راهب بزرك که خود را باباپیرو میخواند چنین بسخن آغاز میکند — طفل من — من دوقرن قبل یکه وتنها باین سرزمین قدم نهادم و با وجود اینکه ازشدت سرما یك پایم فلج شده بود وارد این قریه شدم.

امروز بیش از دویست سال ازعمر من میکذرد و تمام اهالی طبق قوانین ومقرراتی که من وضع نموده‌ام درنهایت خوشی دراینجا زیست میکنند — مادر این سرزمین نه شهربانی داریم نه داد گستری نه ژاندارم ونه پاسبان، چون بااصولی که ما در زندگی مراعات کرده طبق آنها زندکی میکنیم هیچکونه اختلافی بین ساکنین پدیدار نمیشود — ازروی چند جلد کتابی که شما تالیف نموده ومنتشر کرده‌اید و بوسیله باربرانی که یکانه وسیلهٔ ارتباط ما با دنیای خارج هستند بدست من رسیده من باخلاق شما پی برده وشمارا جانشین خود معین کرده ام از امروز اداره این بهشت روی زمین‌را بشماواکذار میکنم.

روبر که بکلی مات و مبهوت گشته بدون اینکه بتواند کلمه‌ای ادا کند از اطاق راهب بیرون خارج میشود و در باغچه چشمش بجمال دوشیزه بسیار زیبائی روشن میکردد که بی اختیار بدنبال او میافتد،

از آنجائیکه روبر تا اندازه ای از آداب ورسوم این سرزمین آکاه شده بزودی آشنائی اوبا دوشیزه زیبا عملی میشود وروبر میفهمد که معشوق قلبی او نیز درهمین بهشت مسکن دارد

پس از باز کشت بنزد همراهان روبرابدآتوانائی به پاسخ پرسشهای آنان را درخود نمی بیند خودش نیز بکلی از این پیش آمد ها مات و مبهوت است شبانه روبرقضایارا برای برادرش ژرژ شرح میدهد ولی ژرژ نیز که دربیت اوبادختر زیبای دیکری موسوم به ماریا آشنا گشته وسئوالاتی راجع به زندگی در این سرزمین نموده باو میکوید تمام گفته‌های راهب وشانك دروغ است دویست سال عمر یعنی چه ! بهشت و غیره همه دروغ صرف است حتی ماریا شخصا حاضر است باربرانی تهیه نموده وسائل مسافرت آنهارا آماده کند

روبرو نمی تواند این قضایا را باور کند لذا ژرژ ماریا را نزد او دعوت میکند تاشخصا قضایارا شرح دهد.

ماریا روبر را مجاب نموده واز اوقول میکیرد که بهمراهی اوو برادراش عزیمت کنند.

ولی همچه که ماریا ازمرز این سر زمین اسرار آمیز عبور می کند کلیه قوای جوانی خود راازدست داده بصورت پیر زن فر توتی در می آید روبر میفهمد که ماریا آنهارا فریفته و فقط آب و هوای آن سرزمین باعث جوانیٔ وی بوده است و الا چنانچه شانك نیز قبلا بان ها کفته بودماریا زن شصت ساله ایست دراینموقع طوفان و باد سختی شروع میشود ماریاوژرژ که دیکر تاب پیشروی ندارند در نتیجه لغزش به عمق دره پرتاب میشوند و روبرو بجانب بهشت موعودبرمی کردد ولی آیادو باره به بهشت خواهدرسید...!

فیلم — بهشت موعود و یا افق مفقود ساخت کارخانه کلمبیای امریکاست و بوسیله کارکردان نامی فرانك کوپرا تهیه شده. هنرپیشه نامی رونالد کولمن عهده دار رل مستر روبراست وستاره زیبا ژان وایت نقش ساندرا معشوقه وی را بازی می کند. این فیلم درجه اول بزودی در سینما ایران بمعرض نمایش گذاورده خواهدشد.

دختر لهستانی

حضرت آقای مدیر در شماره ۴۱۵ روز نامهٔ امید شخص نا شناسی راجع بازدواج با دختران لهستانی نظریه خوانندگان را خواسته بود بنده بتوسط قطعهٔ زیر عقیدهٔ خودرا اظهار میدارم.

جوانی گفت با پیری خرد مند — که خوبان لهستانی چطور ند؛
از آنها کر یکی افتد پسندم — بمهرش دل ببندم یا نبندم
چو آن پیراین سخن بی پرده بشنود — سخن درپرده کردآغاز وفرمود
گلی آواره از گلزار گشته — رفیق هر خس و هر خار گشته
گلی هر لحظه در جائی فتاده — ز دستی رفته در پائی فتاده
ز بس افتاده از سوئی بسوئی — نه رنگی مانده ازرویش نه بوئی
گلی راکاینچنین گردیده پرپر — تو میخواهی زنی برسینه وسر؟
درآن باغی که داردغنچه بسیار — گل پژمرده میخواهی ز اغیار!
تو خود البته صاحب اختیاری — درین کار از کسی باکی نداری

ولی من ای جوان پا کدیده
موافق نیستم با این عقیده

ا. شوخ



اقتباس از مطبوعات خارجه

بهداشت ناخن

بناخن‌های خود آنقدر که لازم است اهمیت نمی‌دهید و فقط برای جلب توجه دیگران آنهارا بدست (مانیکور) سپرده ورنك میزنید واکر احیانا علائم وآثار نا مطبوعی روی آن‌ها مشاهده کردید کمان میکنید که فقط نتیجه بد بودن لاك ناخن بوده است وبعد هم اکر چند هفته ای هم به ییلاق رفته و در این مدت ازلاك زدن خودداری کنید و بناخنهای خود روغن بمالید تعجب میکنید که چراجلاو برق سابق را ندارند

حقیقت امر اینست که ناخن هم مانند موی سر وبدن از پوست بعمل آمده است در داخل پوست یك طبقهٔ موسوم به «ناخندان» تولید «سلول» هائی میکند که بنوبت خود یك ورقه «کراتین» تشکیل میدهند و این ماده دارای مقدار زیادی کوکرد است ناخن هرهفته‌ای باندازه یك میلیمتر نمو میکند (درپاها کمتر) درفصل تابستان سرعت رشد ناخن بیشتر است.

ممکن است مواد شیمیائی ازقبیل لاك های نامناسب ویا عملیات شیمیائی با بعضی مواد از قبیل «کلورال» و «فورمول» و «رادیوم» بناخنها صدمه میزنند ولی بیش از همه صدماتی که بناخن میرسد از ناحیه « ناخندان » یعنی محلی که ناخن در آن جاساخته و پرداخته میشود وارد میکردد.

باین جهت بعد از بیماری سخت یا طولانی یا پس از تغییر خوراك مدتی طول میکشد تا روی ناخن بوسیله یك خط قوسی این تغییرات داخلی معلوم شود بنا براین میتوان آلام و دردهای گذشته یا کنونی کسی را از روی ناخن های او کشف نمود پس تعجب نکنید که چرا پزشك بناخنهای شما بادقت مخصوصی نکاه میکند برای او رنك و شکل و علامات ناخنهای شمامعانی مفصلی دارند

مثلا اکر روی یك ناخن یك قوس بنفش مشاهده کند خواهد فهمید که جریان خون در تن شما دچاراشکالاتی شده است اکر یك ناخن پخش شده که درهمه طرف برجستکی های دارد ببینید حدس خواهد زد که این ناخن که در اصطلاح پزشکان بقراطی نامیده میشود حاکی از احتمال مرض سل و خرابی شش های شماست لکه‌های سفیدی که کاهکاهی روی ناخن پیدا میشوند در هر کشوری یك معنی خرافاتی دارند. در اروپا میکویند نشانه دروغی است که گفته‌اید در ایران چنان می‌پندارند که مژده لباس نو میدهدولی حقیقت مسئله اینست که از کسالت مزاج و کم شدن مواد معدنی دربدن شما حکایت مینماید.

خطهای شیار مانند که روی ناخن پیدا میشوند و نتیجه عدم کفایت عملیات غده‌هاست غالبا بامرض روماتیسم همراه است.

بانوان کرامی که برحسب عادت سن خودرا مخفی میدارند نباید باپزشك هم این معامله را بکنند زیرا دکتراز روی ناخن‌های ایشان سن صحیح ایشان را بیزحمت کشف میکند وخجلت دروغکوئی برای خانم باقی میماند!

ورقه کوچك پوست که روی قاعده ناخنها را میکیرد علامت تندرستی است و هر ناخنی که از پوستهای زیادی محروم باشد از ضعف مزاج صاحبش حکایت مینماید، برخی معتقدند که این پوستها نشانه خوبی نژاد است اما پوست سیاهان افریقا دارای پوستهای ناخن خیلی بزرك هستند و بر عکس بعض ملت های آریائی اصلا ندارند پس این پوستها دلیل برسیادت و بزرکواری نیست.

گذشته ازاین ممکن است ناخنها بکلی تغییر شکل داده تبدیل به چنکال یا سم یا گلهای پرمرده بشوند یعنی شکل این چیز ها را بخود بکیرند خدا نکند که فرصت دیدن ناخنهای یك آدم جذامی را داشته باشید؟

پس متوجه باشید که علل وآفات که برای ناخن تولید میشود غالباً از خود بدن و از ریشه و محل رویش خود ناخن است وباکاغذ سمباته نمیتوان این علتها را دفع کرد. بلکه برعکس ممکن است در حین مانیکور کردن باین ریشه وناخندان صدمه‌ای بزنید و موجبات فساد وخرابی ناخن راخودتان فراهم سازید. لذا در ضمن مراقبت بحفظ زیبائی ناخنهای خود از بعض عملیات مانند کشیدن ریشه های کوچك که دراطراف ناخن پیدا میشوند وهمچنین از استعمال (آستون) ولاکهای پست اجتناب کرده وبا فرچه‌های کائوچوئی و نرم آنهارا تمیز کنید

بقلم آقای سرهنك ۲ هاشمی حائری (۲)

تاریخچه جنك کنونی

فصل یکم

از پیمان ورسای تاآغاز جنك کنونی

جنك ایتالیا و حبشه

کشور ایتالیا که از معاهده ورسای ناراضی ودرفکر تهیه مستعمراتی در خارج ازاروپا بود در نوامبر ۱۹۳٤ ببهانه اتفاق مرزی کوچکی که در اطراف دهکده « والوال » اتفاق میافتد بدون اعلان جنك بکشور حبشه حمله نمود.

باآنکه دول اروپا هرچه سعی کردند که استقلال این امپراتوری کهن سال مسیحی (بقول حبشیها کشور حبشه از عهد سلیمان علیه السلام سلطنت داشتند) راحفظ کنند وحتی برای اینکه کشور ایتالیا بدان حمله ننماید جامعه ملل اجرای مجازاتها را در باب دولت ایتالیا قائل کردید بالاخره امپراطوری حبشه بانداشتن وسائل وسازمان جدید وپس‌از یکسال مقاومت در مقابل سربازان ایتالیائی سرانجام ازبین رفته دولت ایتالیامالك یك مستعمره یك میلیون وپنجاه هزار کیلومتری کردید.

پیمان ورسای و هیتلر

پس از رسیدن هیتلر بمقام‌ریاست دولت آلمان (۳۰ ژانویه ۱۹۳۳) بویژه پس از جنك حبشه و اجرای مجازاتها از طرف جامعه ملل توافق نظرکاملی راجع بلزوم تجدید نظر در قرار داد ورسای و سایر قرار دادهای صلح بین دولتین آلمان و ایتالیا حاصل واین موافقت تام موسوم به محور رم — برلن کردید.

ایجاد محور رم — برلن نه تنها ناشی از وحدت نظر اولیاء امور آلمان و ایتالیا در مهمترین مسائل بین‌المللی میباشد بلکه بیشتر بواسطه اینست که این دو دولت برای ترمیم و اصلاح وضعیت داخلی خود رویه سیاسی جدیدی تعقیب وپیروی مینمایند و چون رژیم ناسیونال سوسیالیست با رژیم کشور شوروی منافات دارد بدین جهت پس از انتقال زمام امور به هیتلر دولت آلمان سیاست خود را نسبت بروسیه تغییر داده و با دولتین ایتالیا وژاپن یك جبهه واحدی برعلیه دولت شوروی تشکیل داد در نتیجه این اقدام دولت روسیه برآن شد که روابط خودرا با دول باختری اروپا ومخصوصا با فرانسه اصلاح کند.

الغای مواد نظامی ورسای

پس ازبدست کرفتن زمام امور هیتلر بتدریج مواد نظامی قرارداد ورسای را ملغی و درماه مارس ۱۹۳۵ نظام وظیفه همکانی را در کشور آلمان برقرار ساخته و شروع بتشکیل ارتش نیرومندی نمود. سپس به بهانه اینکه دولت فرانسه برخلاف مفاد پیمان لوکارنو یك قرارداد نظامی با کشور شوروی بسته است قرارداد لوکارنو منعقده در ماه اکتبر ۱۹۲۵را لغو کرده بدولتین انکلیس وفرانسه پیشنهاد نمود که در دوطرف مرزهای فرانسه — آلمان مناطق غیر نظامی ایجاد و دولتین آلمان و فرانسه متعهد شوند که از ساختن استحکامات در این مناطق خودداری کنند.

بعلاوه هیتلر پیشنهاد کرد که یك قرار داد عدم تهاجم برای مدت ۲۵ سال بین فرانسه وآلمان منعقد کردد و دولتین انکلیس وایتالیا اجرای این قرارداد راتضمین نمایند

ازآنجا که دول باختری مخصوصا فرانسه اعتمادی بدولت آلمان نداشتند از قبول پیشنهادات نامبرده یك سلسله پیشنهادات مشابه آن سرباززدند

هیتلر ومنطقه حیاتی

بطوری که معلوم است جمعیت آلمان باسرعت فوق‌العاده روبازدیاد گذاشته است وخود دولت آلمان بملاحظات سیاسی و نظامی اقدامات موثری جهت تکثیر ازدواج وتولید مثل بعمل می آورد در صورتی که خاك آن کنجایش جمعیت فراوان را ندارد و از طرفی هم آلمان یك کشور صنعتی است و نمیتواند بسهولت و آسانی مواد اولیه برای صنایع عظیمهٔ خود و همچنین بازار کافی برای فروش مصنوعات خویش پیداکند و روی این اصل است که مسئله توسعه اراضی که آنرا بمنطقه حیاتی تعبیر مینماید و همچنین موضوع استرداد مستعمرات دقت اولیای دولت آلمان را بخود جلب نموده است.

درخصوص توسعه اراضی هیتلر درکتاب معروف (مبارزه من) چنین اظهار عقیده میکند:

«ملتیکه خواهان بزرکی وعظمت خویش است حق داردکلیه اراضی مورد احتیاج خود را بتصرف درآورد و اگرتوسعه اراضی مایه زندگی آن ملت باشد اینحق بصورت یك وظیفه ملی درمیاید.»

ونیز در جای دیکر درکتاب نامبرده چنین اظهار عقیده میکند:

« مرز های فعلی دول مصنوعی است و خداوند آنها را ثابت لایتغیر نیافریده است و مردم قادرند مرزهای فعلی راتغییردهند»

شکی نیست که این نظریه آسایش و آرامش بین المللی را مورد تهدید قرار داده ووجود وبقاء دول کوچك و ضعیف را دستخوش سیاست دول بزرك وقوی میسازد.

تصرف اتریش

بمنظور اجرای طرح نامبرده هیتلر در ماه آوریل ۱۹۳۷ اتریش را بالمان ملحق ساخت هرچند این اقدام با متن صریح ماده ۸۰ قرار داد ورسای مطابقت نداشت ولی بااین همه نظر باوضاع نامساعد سیاسی وچون ظاهراً ۹۹ درصد سکنه اتریش این اقدام راموردتصویب قرار داده بود دول ذیعلاقه وادار شدند که در مقابل این امر سرتسلیم ورضافرود آورند

مسئله ناحیه سودت

پس از اشغال اتریش مسئله ناحیه سودت پیش آمد.

واضعین پیمان ورسای در اروپای مرکزی دولتی بنام چکوسلواکی تشکیل دادند و منظور حقیقی از تشکیل دولت نامبرده این بود که یك سد غیرقابل عبوری درمقابل حملات احتمالی آلمان بطرف جنوب خاور اروپا ایجاد شود و برای استحکام این سد دول فاتح ناحیه کوهستانی سودت را بچکوسلواکی ضمیمه نمودند.

در ۲۱ سپتامبر ۱۹۳۸ هیتلر درنطق اختتامیه خود در کنگره نورمبرك تقاضا نمودکه دعاوی آلمان نسبت بناحیه سودت بوسیله آراء عمومی حل شود.

پس از مذاکرات و مکاتبات زیاد نمایندکان دول بزرك یعنی انکلستان فرانسه - آلمان - ایتالیادرمونیخ کنفرانسی تشکیل داده ودرسی‌ام سپتامبر ۱۹۳۸ پیمانی امضا کردند که بموجب آن ناحیه سودت را با ۲۸ هزار کیلومتر مربع خاك و ۳ میلیون ونیم جمعیت از چك اسلواکی منتزع نموده بالمان واگذار کردند

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر در داخل و خارج از کشور به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران تعلق دارد.

گوشت خر!

در لقانطه، همان مرکز باصفاکه استخر زیبا و عمارت مجلل تاریخی‌اش هرراه‌گذری را بسوی خود جلب‌میکند نشسته بودیم خوراك میخوردیم ... ازهمان خورا کها که میدانید .

ژیکو — راگو — ژارگو — گو—گو ...

یکمده نام سرسام آور و خوش ظاهر ... ازهمین خوراکهامیخوردیم .

رفیقم چنگال خودراکه فروکرد ازبخت بدباسوسك بینوای بدبختی تصادم نود واورابالا آورد .

اورا بالا آورد در حالیکه کرم کوچك سفید رنکی نیز بهمراه داشت آری ایندو موجود بیکناه در ظرف خوراك‌مادراز کشیده بودند ... این اغراق نیست عین‌حقیقت‌است — حقیقت تلخیکه آنشب ماباآن مواجه‌شدیم .

بلی‌کافه ورستوران درجه اول لقانطه که‌ماآنرا ازنظیفترین کافه‌ها میدانستیم این‌خوراك اشتهاآوررا آنشب‌جلوی ما کذاشت .

رفیقم باحالت عصبانی گفت مکر مجبوری که‌گوشت بخوری، هزار دفعه بتوگفتم که در کافه رستوران گوشت خوردن عین حماقت است بازتوگوش نمیکنی وازاین مائده زمینی (!)دست بردار نیستی .

منکه این‌اولین دفعه برخوردم‌با این‌قبیل قضایا نبود وخونسردی خود را از دست نداده بودم پیشخدمت را صدا زده ولاشهٔ آن‌دو تن بیکناه‌داخل خوراك‌را باو نشان دادم .

پیشخدمت در حالیکه باچشمهای ریزش‌سروپای آن دومعصوم راورانداز میکرد ظرف خوراك‌رابرداشته و گفت آقا ببخشید ... گوشت گرانست ... یکمن ۲۵ تومان ... نمیخورند‌ومیماند خراب میشود !

پیشخدمت این‌راگفت ورفت .. رفت ومارادرپکری آمیخته بدلخوری! باقی گذاشت .

***

ازلقانطه خارج‌شدیم‌تامگرخاطره تلخ‌خوراك رافراموش نمائیم ..

رفیقم‌که اصولاازطرفداران‌جدی علف‌خوری ومخالفین‌گوشت‌خوارست ازاین پیش‌آمد استفاده کرده ومرتب داد سخن میداد او معتقد بودکه اگر گوشت گرانست، هیچ لزومی ندارد مردم بخورند ...

ولی‌من‌که میدانستم نان‌وگوشت ازغذاهای دیرینه وبارکردن دیزی از رسوم باستانی ماست کاملا با نظریهٔ رفیقم مخالف بودم من میگفتم که‌برای زندگانی وزنده بودن‌کالری لازمست . انرژی لازمست و ۹۵ در صد ما این کالری را بوسیله‌گوشت تهیه‌میکنیم .

من‌میگفتم‌که ماامروز کالری‌لازم داریم حرارت لازم داریم، حرارتیکه دست‌کم مارا راه‌بیاندازد وآن قدرت را بما بدهد که تحمل ناملایمات را، ناملایماتیکه بکناه‌موقعیت‌جغرافیائی بما تحمیل کرده‌اند بنمائیم .

آن حرارت رابه‌طبقه دوم وسوم مابدهدکه بتوانند روزی پنج‌شش‌ساعت درمقابل دکان نانوائی وپمپ نفت‌خبردار بایستند ...

آن حرارت رابما بدهدکه آجر سیلو راهضم‌کنیم ...

اینهاهمه انرژی میخواهد ..

واگر باور کنیم که آدم گرسنه ایمان ندارد میدانیم که این‌حرارت چقدر برای‌زندگی ماضروریست رفیقم که تابحال سکوت کرده بود گفت ای آقا حرارت را بهزار وسیله میتوان بدست‌آورد مکر سبزیجات وحبوبات کالری‌نمیدهند این‌حرفها کدامست .

گفتم — البته صحیح میفرمائید ولی بااین‌گرانی و کمیابی سبزیجات شاید بیشتر مردم نتوانند از اینقبیل غذاها تهیه کنندولی این‌گوشت بی پیر این گوشت قربونش برم واجد تمام صفات حسنه وملکات فاضله است ومثل منتظرالوزاره هابا هر مزاجی سازکار میباشد رفیقم‌آه طولانی وعمیقی‌کشیده وگفت‌افسوس‌میخورم که‌توازطرفداران جدی‌گوشت هستی‌باآنکه‌خودت‌میدانی که این‌بی‌پیر چه‌مضراتی رادارااست . هزار دفعه بتوگفته‌ام که‌گوشت یکمن ۲۵ تومان خوردنش حرامست وای‌به اینکه بعوض گوشت کاو گوشت خر تحویل مردم بدهند .

کوشت خر‌چیفهمی ؟ بله امروز قصابهاکوشت خربخورد مامیدهند .

یکی از بستگان من قصابست و خودش معترفست که گوشت خرداخل گوشت کاو وگوسفند میزند این‌دیگر اظهرمن‌الشمس است‌ولی‌باز ازآنجائی که تو درجهل مرکب گوشت پرستی فرورفته‌ای‌میترسم که این‌اعتراف‌صریح راهم باورننمائی ...

***

موضوع گوشت خر مرا بیاد گذشته‌انداخت، گذشتهٔ نزدیکی که‌آنهمه فلاکت برای ماهمراه‌داشت .

برفیقم‌گفتم تو خیال میکنی فقط امروزکه‌گوشت گران شده گوشت‌خر بخورد مامیدهند سالهاست‌که‌ماگوشت خر میخوریم .

ازقدیم باشخاص‌کند ذهن‌وکودن میگفتند مکرگوشت خرخورده‌ای؟

حالا ماهم‌اگرگوشت‌خربخوردمان نداده بودند چرا اینقدر ساده لوح بودیم چرا اینقدر سطحی وکوته‌فکر بودیم چرا اینقدر کندذهن وبیخبراز حقیقت اوضاع بودیم که‌رجال روشن فکر ما با منتهای بی لیاقتی وقایع شهریوررا ایجاد کردند ونتوانستندبا دودولت دوست‌خود که‌با آنها منافع مشترك‌داشتند بسازند چرا دیپلماسی رجال مااینقدر ضعیف بودکه‌نتوانست اعتماد دودولت همسایه رابخود جلب ننماید واینهمه بدبختی برای ما فراهم نسازد .

آری ماسالهاست که‌ظاهرا! گوشت بوقلمون وجوجه وگوسفند میخوریم ولی درباطن گوشت‌خربخورد ما میدهند .

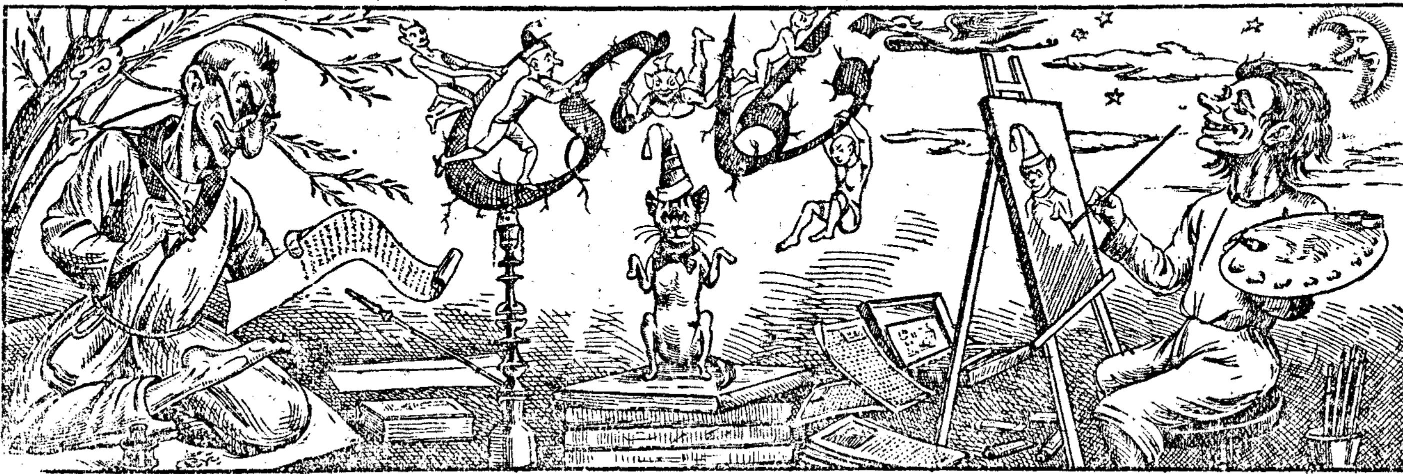
ماا کر گوشت خرنخورده بودیم هرکز رجالیرا که‌سابقه کیفیت آنها از آفتاب روشنتر است دوباره برسر کار نمیاوردیم وآنهمه احترام بانها نمیکردیم تاخوب برسرما سوار شوند ومقدس ترین قوانین ما یعنی قانون اساسی را پایمال نماید اینها همه‌نشانه بارزی ازگوشت خرخوریست .

ماهمه بدون رودر وایسی گوشت خر خورده ایم . با کمال نزاکت هم خورده ایم و همه از حقیقت اوضاع فرسنگها دور هستیم وزیر — رئیس روزنامه نکار . تاجر . کاسب همه ما سالهای سال گوشت خر علیه‌السلام رامیل فرموده‌ایم حالا چه مانعی دارد که‌پس از مدتها گوشت خرخوری‌مخفی چندی هم آشکارا واز دست برادران نوعی خودمان گوشت خر بخوریم

گوشت خر ملتی باید نخورد که بیدار وواقف بامور باشدوگرنه‌برای ما که چون‌خفتکان کورستان‌مسکرآباد و مستهای لایعقل شیرکچیخانه‌ها بیخبر ازهمه چیز و همه جا بوده و همچون اسکلت بی روح بلا اراده در حرکت هستیم خوردن گوشت خر چه مانعی دارد ؟؟

بگذار آنهائی گوشت خرنخورند که‌فداکار وفعالند ودشمن خونین‌سستی ورخوت ودرویش مسلکی میباشند .

محمد امین محمدی



بخشنامه شماره هفت

اثر طبع آقای ابوالقاسم حالت

بعد ازین باید ز کار دولت استعفا کنیم — وز برای خویش کار دیگری پیدا کنیم
ما که هرگز ازسخنگوئی نمی‌شوئیم‌دست — بی سخن باید ز کار دولت استعفا کنیم
ماکه لاف دزدگیری در جراید میزنیم — نیست ممکن اینکه بادزدان بخوبی تاکنیم
سالها اندرز دادن شیوهٔ ما بوده است — حالیا دوری چرا زین شیوه شیوا کنیم
کار ما راگر زماگیرند چندان دورنیست — زانکه میترسند ما این قوم را رسواکنیم
به که از شغل اداری جمله برداریم دست — بعد ازآن اندر جراید محشری برپا کنیم
وآنچه‌در ایام خدمت دستگیر ماشده‌است — در جراید یك بیك را موبمو افشا کنیم
با دل آسوده وفکر بلند و عزم جزم — انتقاد از طرز کار این بخوبن ها کنیم
تا شود ویرانه کاخ آرزوی این گروه — گفته های آتشین را بمب آتش زا کنیم
در جراید گر مقالاتی دهیم، ازبهر چاپ — باشهامت زیر آنها را صریح امضا کنیم
تابکی با چاپلوسی پیش آقای رئیس — خوب را گوئیم بد یازشت را زیباکنیم
تابکی بانام های شیك و القاب قشنك — هر مفتی زاده‌ای را حضرت والا کنیم
تابکی هر صبحدم با پیشخدمت پشت هم — بر سر تنظیف میزو صندلی دعوا کنیم
تا بکی بهر فرار از کار ارباب رجوع — ضمن صحبت هی اگر گوئیم وهی‌اماکنیم
از چه باید نوکرانی را کنند آقای ما ؟ — تا که ما هر دم بجای امر استدعا کنیم
ما نمیخواهیم با این علم و دانش بعد ازین — در میان عده ای بی علم و دانش جا کنیم
آری آری ما نمی خواهیم با روی سپید — زندگی در بین زنگی های افریقا کنیم
ورنه سهل است اینکه‌چندی از بی‌حفظ مقام — سر بپیچیم از نوشتن ،ترك این سوداکنیم
یا که بنویسیم بی امضاء مقالات زیاد — هر که گوید :هست‌اینها از شما حاشا کنیم
نوکری بودیم تا دیروز و باید بی هراس — گفتگو امروز از آقائی فردا کنیم
شغل آزادی بدست آریم و همچون کاسبان — بهر خود یك لقمه نان بی دردسر پیداکنیم
چند ماهی را بپوشیم ازحقوق خویش چشم — شاید از این رهگذر مالیه را داراکنیم
چون بسی درکار دولت ماست مالی کرده‌ایم — جای دارد گردکان ماست بندی وا کنیم
یاگهی دیزی فروش وگاه دیزی خر شویم — تاکه چون‌سوداگران سودی‌ازین‌سوداکنیم
یا بشل کاسه بشقابی بدوش خویشتن — کوله‌ای‌گیریم و پشت هردری آوا کنیم
یاکه با یك ری لبو همچون‌لبوئی‌صبح‌وظهر — داد در زیر گذر ها موسم سرما کنیم
یا چو پا اندازها در چار راه لاله زار — کاسنی با لاله ریان سمن سیما کنیم
گر نشد ممکن‌که پا در سلك خیاطان نهیم — بر سر بازار پالان دوز ها ماوا کنیم
این سزای آنکه میخواهیم اندر راه حق — جنك با فرعون استبداد چون موسی کنیم
این سزای آنکه میخواهیم در این شام تار — خامهٔ خود را چو شمع روشنی افزا کنیم
این سزای آنکه می خواهیم از راه قلم — مردگان جهل را با علم خود احیا کنیم
ما که در کار خطا پروا نداریم از خدا — ازچه درکار صواب از بنده‌اش پروا کنیم

نگارش و اقتباس : آقای موسی فرهنك (۲)

اویلن ایشپیگل یاملانصرالدین اروپا

۲— در قهوه‌خانه‌سرشکن

دو ساعت از شب میگذشت‌وقریب یکساعت بود که بشدت باران میبارید بر خلاف همه شبه سکوتی مرکبارسر تا سر جاده وپل و بیشه سیاه را فرا گرفته بود . این قسمت که موردتوجه عموم واقع شده و گاه بیگاه برای سیر و گشت بدانجا میامدند خاکی چسبنده داشت که در اثر جزئی آب بصورت منجلابی در میامدوعبورومرور را دوچار وقفه واشکال مینمودمخصوصا عبور برای اشخاص پیاده بی اندازه زحمت داشت . جنگل کنار جاده‌بجای آن همه دلربائی وضع‌غم انگیز راسف آوری گرفته و مثل آن بودکه‌خوشی یکباره ازآنجا رخت بسته صدای‌مرغ حقی هم‌بگوش نمیرسید

حقیقتا خیلی غریب است . طبیعت عجب رنکی بازی میکند —ازآنهمه همهمه ها — از آنهمه دادفریادها— حتی ناله ضعیفی هم بگوش نمیرسید شاید هم غرش رعد و صدای ریزش باران مانع شنیدن میشد؟

هرکس در هر حالی بود و هر کاری داشت‌آنرا رها کرده‌بگوشه‌ای پناهنده بود فقط در تمام طول‌این‌جاده طویل یکنفر پیاده دیده که بطرف منایل میرفت لباس او خیس شده و تامچ پایش هم در گل ولاغرو میرفت تازه اولین‌چراغ‌منایل پیدا شده بود . درست‌دوساعت‌دیگر راه در پیش داشت در اینموقع‌بدر قهوه خانه ای رسید چند عرابه در بیرون در زیر سقف سفالی ایستاده بود — مرد بدر قهوه خانه نزدیك‌شده ایستاد . صدا های در هم و برهم از قهوه خانه‌بیرون میامد . مسافر قدری فکرکرده با شتاب وارد شده‌یکسر پیش صاحب قهوه خانه رفت ودرمقابل چشمان خیره مشتری های‌که دراطراف بخاری گرم نشسته بودند چند کلمه آهسته در گوش قهوه چی گفت‌سپس خورجینی‌را که همراه داشت گذارده هماتطور بیرون آمد

بمحض خروج مسافرین از جای برخاسته دور قهوه‌چی‌راگرفته‌پرسیدند چه خبر است . قهوه چی نگفت —اورا تهدید کردند ناگزیر چنین‌گفت :این شخص‌درچندقدمی‌قهوه‌خانه کیسه‌خودراکه متجاوزازصد سکه طلا داشته‌گم کرده خورجین‌خودراپیش من‌گذارده بجستجویش بیرون رفت . بشنیدن این سخنان‌همه‌از در خارج‌شدندودر مدت کمی‌قهوه‌خانه خالی‌شد . درست درهمین موقع‌مردی ازدر دیگر قهوه‌خانه خنده‌کنان داخل شده‌گفت آقای قهوه چی بگو به بینم خوب نقشه‌ای بود ؟

قهوه‌چی در سیمای اوخیره شده گفت آقا پس‌گم شدن پول دروغ بود البته که دروغ بود وصندلی رابر داشته کنار بخاری گذارده با کمال استراحت نشست درحالی که دیگران درمیان باران بران یافتن کیسه پول‌از سروکول یکدیگر بالا میرفتند .

قهوه‌چی ازدیدن این‌منظره بفکر فرورفت . پس‌از دقیقه‌ای نزدیك‌شده گفت : آقای حقه بازاگر حیله‌ای بکار نمیبرید بگوئید به‌بینم غذا میل دارید و کجا میخواهید بخورید .

مرد پرسید . برای یکشام چقدر پول میدهند .

قهوه‌چی گفت . اگر پشت‌آن‌میز که‌مخصوص‌اشخاص‌درجه‌یك‌است بنشینید ۱۲۰ فنیك — پشت آندیگری که مال توده طبقه دومیباشدشصت فنیك‌پشت این‌میز که‌اینجااست ومخصوص‌مستخدمین واشخاص معمولی است ۲۴ فنیك

مرد کمی فکر کرده گفت . عقل میگوید که پشت آن میز بنشینم ولی عجالتاوقت نیست آقای‌خوك . . ببخشید آقای چاق من اسم شمارا نمیدانم . قهوه‌چی‌که نمیخواست یکنفر پولدار را بیهوده ازخودبرنجاند بروی‌مبارك خود نیاورده با خونسردی تمام گفت

اسم من مازاژن است و این قهوه خانه هم سرشکن نام دارد .

لابد اگر کسی غذا بخوردو پول نداشته باشد . سر اورا میشکنید .

اصلا ما بی پول ها را راه نمی دهیم .

یکساعت بعد . یعنی موقعی که مسافرین با سر و وضع گل آلودو چشمهای پر خشم‌از غضب تك‌تك‌داخل میشدند یعنی درست هنگامی که نگاه های پر از عداوت آنها هر بیننده‌ای را بلرزه میاورد — مرد با کمال‌خون سردی در حالی که‌خنده ای برلب‌داشت از جای برخاسته گفت

آقای مازاژن — غذای مراآنجا بیاورید — من بقدر کافی گرم‌شده‌ام پشت میزی که مخصوص طبقه یك است نشست مرد با حرص و ولع زیاد غذا میخورد و مثل این بود که مدتی‌است رنك غذا را ندیده .

بالاخره غذا تمام شد مرد از انتهای‌سالن‌فریاد زد . مازاژن‌حساب مرا بکن — کار دارم باید بروم .

در این هوای کثیف میخواهی بروی ؟

یکدقیقه هم نمیتوانم بمانم . باید بروم .

میل خودتان است ولی ما اطاق خوبی برای شما تهیه کرده ایم

نه نه نمیشود . باید بروم کار فوری‌است

باشد . حال که میخواهید بروید مانعی ندارد . حساب شما فقط ۱۲۰ فنیك است

حالابیشتر نمیشود ؟

نه آقا اگر میخواهید چیزی به پیشخدمت‌انعام‌بدهید بسته بمیل‌جنابعالی است . پول غذای شما صد و بیست فنیك میشود

چه ؟ چه میگوئید ؟ من بایدصد و بیست فنیك بدهم یاشما باید بدهید شما خودتان گفتید بکسی که پای‌آن میز غذا بخورد صد و بیست فنیك‌می دهند — من بیچاره زحمت کشیده و بقدر چهار نفر خورده ام حال شما می خواهید حق مرا ندهید

از این‌حرف همه را خنده‌گرفت مازاژن پیش آمده گفت : آقای‌حقه‌باز این دومین‌حقه شما است‌ولی‌محال است تا پول غذا را نگیرم بگذارم بروید .

مرد گفت غیر ممکن است باید حق مرا بدهید — مگر بیخود است که هرکس حق دیگری را بردارد و برود . یکربع این‌گفتکو و مناظره طول کشید . بالاخره مازاژن‌عصبانی شده یقه‌او را گرفته‌بطرف درکشیده گفت در عوض مجبورم ترا در همین هوای بد بیرون کنم برو و دیگر اینجا قدم نگذار . مرد غرغر کنان از در بیرون‌آمد و در یك لنگه‌قهوه خانه پشت سر وی با ضرب بسته شد پنج دقیقه بعد در قهوه خانه با شدت کوبیده شده . مازاژن گفت عجب امشب هرکه می‌آید خیال دعواومرافعه دارد و از پشت در فریاد زد کیست چه خبر است ؟

صدای خشنی پاسخ داد باز کن معطل نشو .

اگر اینطور است باز نمیکنم . اختیار قهوه خانه امرا دارم .

باز کن احمق . ما پاسبانیم در تعقیب کسی هستیم

از شنیدم اسم پاسبان لرزه بر اندام مازاژن افتاد . بعجله بطرف‌در رفته‌آنرا باز کرد سه پاسبان بدرون آمدند .

مازاژن با تعظیم بلند بالائی گفت ببخشید آقایان . از بس که بیهوده مزاحم ما میشوند .

بس است بگو به‌بینم کسی‌امشب اینجا نیامده

قربان مشتری امشب ما فقط‌یك نفر آدم حیله گر . بدجنس بود که در مدت چند دقیقه توقف همه را به ستوه آورد و من ناچار بیرونش کردم . چرا بیرون کردی احمق . تو کار مارا دشوارنمودی . بدجنس میدانی که بود ؟

نه نه من که خبری ندارم پاسبانی که بامازاژن صحبت میکرد رو برفقای خود کرده گفت بالاخره فرار کرد‌تقصیر این‌احمق است درهمین موقع صدائی‌از طرف راست‌سالن که‌قدری تاریك‌بود، شنیده‌شد . خیرآقایان ،مازاژن دروغ میگوید . من اینجاهستم . او عمدا مرا پنهان کرده . پول غذا را می خواهد

سرها بطرف صدا برگشت . در میان تاریکی نقطه ای تاریکتر دیده میشد . چشمها بان نقطه دوخته شده بود ، هنوز طنین صدا در فضا وجود داشت که کاردتیزی‌ازکنار گوش‌مازاژن گذشته‌وبر در مقابل خورده تانیمه‌فرو رفت،و بلافاصله‌خنده‌وحشت‌آوری‌اندام مسافرین را بلرزه‌آورده‌ودردنباله‌این خنده‌این‌جمله کشیده‌شد،

آفرین‌مازاژن بامهارت‌ردگردی ازهیکل‌خوك تواینکاربعیدبود . . .

همه بسمت شبح دویدندولی‌اثری از انسان نبود، دربائین سالن نیمه باز شده ناظرین دریك محوطه نیمه‌روشن هیکل مردی‌را دیدندکه کلاه درازی برسرداشت .

پاسبانان بدرحمله‌ور شدند ولی در بسته بود، بطرف دیگررفته ولی در دیگرهم ازپشت‌قفل بود .

یکمده ده پانزده نفری‌در قهوه خانه محبوس‌بودند .

ناشناس بمحض خروج خودرا به عرابه‌ها رسانیده یکی‌ازآنهاراانتخاب کرده‌واسبهای‌دیگرعرابه‌ها رافرارداد و خود عرابه‌ای را که انتخاب کرده بود سوار شده باسرعت ازآنجا دور شده .

این‌مرد که بود؟ . .

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر در داخل و خارج از کشور به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران تعلق دارد

ترجمه آقای اعتصامزاده

عشق جانوران ـ یا ـ وصلت بی گفتگو



عشاق جنگجو

موش صحرائی ـ روباه ـ خرگوش ـ گرگ گراز ـ سك آبی ـ اسب ـ گوزن ـ مرال

موش صحرائی (لابادی لاگراو) در کتاب (جهان جانوران) این احسان کاری وترحیم یك موش صحرائی را نقل میکند. یك موش صحرائی دهان خود را تا حدیکه ممکن بود با دانه‌ها پر میکرد وبعجله میرفت و کمی بعد برمیگشت وبازهم دهان خودرا پرمیکرد ورفت وچندین مرتبه این کار را تکرار نمود آن شخص از این حرکت موش متحیر شد وحس کنجکاری وی را بر آن داشت که او را دنبال کند وبفهمد چرا این کاررا میکند مشاهده نمود که موش بطویله میرود وبیك کبوتر مریض که اگر این کمك موش نبود از گرسنکی میمرد آن دانه‌هارا تقدیم میکند؛

همدردی موشها بواسطه یك پیش آمد عجیبی که در اصطلاح اروپائیان (مشاهده موشان) مینامند واگر گواهان صادق آنرا ندیده بودند باور کردنی نبود بثبوت میرسد. دکتر (هانری کوپن) در کتاب (جانوران خارق العاده) چنین مینویسد.

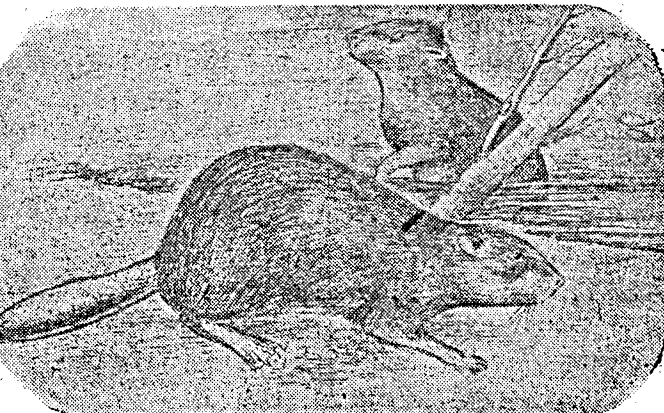
موشهای صحرائی گاهی بیك بیماری عجیب مبتلا میشوند چند موش بوسیله دمهای خود بهمدیگر میچسبند وچون قادر بحرکت نیستند موشهای دیگر برای آنها خوراك میاورند.

درشهر (آلتی بورك) یك شاه موشان مرکب از ۲۷ موش که باین ترتیب بهم چسبیده‌اند حفظ شده‌است درشهرهای دیگر آلمان از قبیل (شینفن تال) و(بون) و(فرانکفرت) و(ارقورت) و(لیندناو) در نزدیکی (لایپزیك) عده‌ای از این موشهای بهم چسبیده یافته شده‌است.

(لنتس) نقل میکند که در یك انبار گندم درده‌کده (دولشتاد) واقع در دو میلی شهر (گوتا) در آلمان در سال ۱۸۲۲ دو (شاه‌موشان) کشف شد. یکی مرکب از بیست وهشت موش بود ودیگری ازچهارده موش

روز ۱۷ ژانویه ۱۷۷٤ در شهر «لیندناو» یك «شاه موشان» هم موجب یك محاکمه در دادگاه گردید زیرا این شاه موشان متعلق به یك آسیابان بود واو آنرا به (فاسهاور) نامی امانت داده بود واین شخص نمیخواست مال او را بصاحبش رد کند

حالا از عشقبازی موش صحرائی صحبت کنیم.



ماده منتظر تشریف فرمائی نر است. آقا در اینمدت مثل مردها بکافه نمیرود بلکه عازم میدان جنگ میشود. خانم بانهایت بیصبری و اوقات تلخی در انتظار بسر میبرد.

«بوفون» وضع خانم موش را باین ترتیب شرح میدهد: «نمی توان بروی او نگاه کرد. او ازهمه چیز بدش میاید. او بزحمت خوراك مختصری صرف میکند. روزی صد دفعه دم پر پشمش گاهی میان رانها و گاهی میان پاهای جلو گذرانده و نوك آن را بادندان میگیرد و لاینقطع آن را حرکت میدهد. در این حال بحران او دائما بپشت خوابیده و غرغر میکند وشوهرش را میطلبد وبنابراین میتوان تصور کرد که موش صحرائی برای جفت شدن این وضع رااختیار میکند.

در این بین موشهای نر عاشق همدیگررا میکشند. این جنك موش ها با فریادهای تیز همراه است. جنك مغلوبه دهشتناکی ولقع میشود. گوشها پاره شده، دمها بریده شده، پاها قطع شده واینکه گفتیم کوچکترین نتایج این پیکاراست.

موشها بجنك وستیز عشق دارند. آنها نیز مانند افراد بشر بدون اینکه بدانند برای چه میجنگند بمیدان نبرد رهسپار میشوند، یك فریاد یك صدائی که شنیده شود کافیست. یکمرتبه تمام موشها بهم میریزند ـ یك موش بموشی که آزار داده بود حمله میکند. دیگران که از دیدن این منظره تحریك شده‌اند بدو جنگجو حمله میکنند و جنك مغلوبه شروع می شود وصدای جیغ وداد موشها گوش فلك راکر میکند.

اشخاصیکه میجنگند باین وسیله ثابت میکنند که حرص و غضب بر حس انتقاد نزد آنها غلبه میکند بعبارت دیگر عقل خود را ازدست میدهند ولی موش عاقل و با هوش است. یك دلیل اینکه (واتسن) شاهد این قضیه بود.

یك شیشه که گردن تنگی داشت وپراز روغن بود جلب توجه موش ها را نمود. یکی ازآنها بدن خودرا بنقطه‌ای تکیه داد ودم خودرا توی شیشه کرده بروغن مالید ودرآورد وموش دیگری آنرا لیسید. (رودول) درمجله (ناتور) نظیر همین قضیه را نقل میکند. دریك کوزه پراز مربای تمشك موشها باین وسیله راه یافتند که سر پوش پوستی آنرا سوراخ کرده دم خودرا ازسوراخ فرو برده وبمربا آلوده ودر آورده ومیلیسیدند.

خرگوش خرگوش صحرائی هم «عشقبازی» را باغضب وجنگجوئی توام میسازد.

«وینکل» وضع عشقبازی خرگوشهارا باین ترتیب ذکرمیکند.

«نرها مانند سك زمین را بوئیده بسراغ ماده میروند چون یك نر وماده باین وسیله بهم رسیدند نخست مدتی سربسر هم میگذارند ولاینقطع مزاحم یکدیگر میشوند ودراین بازی ماده بیشتر خود نمائی میکند دراین بین نرهای دیگری فرا میرسند نر اولی سعی میکند که ماده را باخود ببرد اما او مقاومت میکند وبهر نری که شجاع تر باشد تسلیم میشود!

آنگاه دو یاسه نر بلکه بیشتر برعلیه یکدیگر قیام نموده جنك می کنند ودور میشوند ونزدیك میایند وبا پاهای خود یکدیگر چنان ضرباتی وارد میسازند که موها بهمه طرف پراکنده میشود و آنکه قوی تر ازهمه است در میدان پیروز یکه وتنها میماند ولیکن گاهی اتفاق میافتد که بانو خرگوش منتظر نتیجه این جنك نشده با نر دیگری بحجله زفاف تشریف فرما میشود.

گرگ (توسنل) در کتاب (ذکاوت حیوانات) اظهار میدارد که گرك ماده سرمشق و بهترین نمونهٔ محبت مادری است، او ببچه های خود از آغاز زندگی میاموزد که باید ازبنی آدم احتراز نمود واز دامهای او برحذر بود اگر لازم باشد گرك ماده دو یا سه فرسخ راه می پیماید تا بتواند خوراك بچه‌های خودرا تهیه کند.

همان مؤلف میگوید که گرگ در جهت مخالف باد حرکت میکند تا اینکه صدای پای او و بوی بدن او طرف را از حضور او آگاه نکند و اگر بتله بیافتد بیدرنك پای خود را که بتله افتاده است قطع میکند.

گرگ عاشق بزرگی است و باین جهت با نهایت شدت از عشق خود دفاع میکند.

در زمستان با وجود برف گرگها گرم میشوند و چندین نر دنبال ماده‌ئی که آماده عشق است میافتند وبرای خاطر او با همدیگر میجنگند آنها میلرزند، میغرند، دندانهای تیز بهمدیگر نشان میدهند و سرانجام بجان همدیگر افتاده یکدیگر را پاره پاره میکنند و غالبا اتفاق میافتد که نری را که خانم پسندیده بود میکشند نرها دنبال ماده هائی که قابلیت پذیرائی آنها را دارند میروند. بنابرین ماده های پیر در بهمن ماه از قندمکرر عشق سیراب میشوند ولی ماده های نوجوان در ماه اسفند و فروردین برای نخستین بار لذت معاشقه را میچشند.

گراز گراز ها گاهی با یکدیگر جنگیده همدیگرا زخمی کرده و میکشند این خوك عاشق که خوك وحشی است درموقع عشق با شدت هرچه بیشتر رفتار میکند.

سك آبی ـ سك آبی با اینکه بمهندسی اشتغال دارد در عشق بازی مجال نزاع و زد و خورد پیدا میکند. این جانوران که بکمك یکدیگر بعملیات ساختمانی اجتماعی می پردازند نمی بایستی وقت و فرصت افکار و اوهام عاشقانه راداشته باشند! زیرا بیکار نیست که ما در هر هوی و هوس و تمام کتابهای اخلاق این موضوع را بما آموخته اند، وعجب تر آنکه در همان کتابهای اخلاق سك آبی را برای ما ها بعنوان سرمشق معرفی میکنند و میگویند که این جانوران بادندان های خود درختهای بزرك را بزمین میافکنند، بطوریکه (لابادی لاگراو) میگویند این حیوان که چون روی پا های عقب خود سرپا بایستد قدش از یکمتر تجاوز نمیکند درختهائی را که سی متر ارتفاع دارند درمدت کمی سرنگون میسازد.

اوتنه درخت را بکنده‌های کوچك تقسیم کرده باپا های جلو این کنده‌هارا میغلطانند.

اوشاخه های متوسط را جوا میکند و با دندان گرفته روی دوش خود نگاهمیداردو باین ترتیب برودخانه می برد وجریان آب بقیه کاررا انجام میدهد.

این مهندس با هوش در زمان عشقبازی بوی مخصوصی میدهد نزد نروماده هردر درقسمت پائین شکم در نزدیکی مقعد دو غده بزرك وجود دارد مملو ازیك ماده که بوی بسیار تندی دارد در بهار این ماده افزایش میابد وعطر او نروماده رابنزدیك شدن بیکدیگر تحریك میکند (اودوبون) میگوید که چون یك سك آبی نر محتویات یکی از این غده‌ها را در محلی خالی کند سك آبی دیگری ببوی آن آمده روی آن‌را میپوشاند وبنوبت خود غده خودرا خالی میکند بعد سك آبی‌های دیگری میایندو همان عمل را تکرار می کنند اما اگر تصادفا همدیگر را به بینند جنك بسیار سختی واقع میشود زیرا عطری که بمشام آنها رسیده است فکر وجود یك ماده را در مخیله آنها تولید میکندو باین جهت همه باینحال عصبانیت و جنگجوئی دچار میشوند.

اسب ـ اسبها نیز جنك میکنند. (راد) میگوید که از فصل معاشقه اسبهای وحشی باهمدیگر میجنگند.

یك اسب نر سالخورده پنج الی ده ماديان را هدایت میکند نرهای جوان ازدور عقب مادیانها میروند وهروقت فرصتی پیدا کنند بانها نزدیك شده باگاز گرفتن یال ولیسیدن کفل این بانوان ابراز عشق مینمایند.

آنوقت اسب مسن باین نو جوانان حمله میکند جوانان بطرف او لگد میاندازند او عصبانی میشود.

ویالش سیخ میشود وبجوانان هجوم آورده آنهارا گاز میگیرد و غالبا یك قطعه پوست یا قسمتی ازدم پهلوانان این پیکار در میدان جنك باقی میماند.

(اوژن سو) رومان نویس نامی فرانسه مولف کتاب (اسرار پاریس) و



غیره هنگامیکه از سرگذشت افراد بشر صحبت میکرد از ساختن وپرداختن دروغهای بزرك خود داری نمینمود وقتیکه میخواست صحبت از حیوانات بکند برعکس پای بند بگفتن عین حقیقت بود و در این موارد بی اندازه دقیق میشد. این مولف در کتاب (رودولفن آرابیون) حکایت واقعی زیر را نقل میکند. در فصل های نهم و دهم و یازدهم این کتاب سر گذشت قشنك یك اسب تخمی را حکایت میکند که مورد یك بی عدالتی شده بود.

صاحب این اسم تصور میکرد که او قابلیت شرکت در مسابقه های اسب دوانی را ندارد و او را برای یك کار مخصوصی که پرورش‌دهندگان میدانند چیست اختصاص داده بود

وقتی که یك اسب تخمی از نژاد خاصی باید با یك مادیان جفت شود معمولا مادیان را بوسیله یك نر دیگری که شایستگی آن اسب مخصوص را ندارد برای قبول از دواج آماده میسازند این اسب محلل مادیان را میبوید و نوازش میدهد وحاضر میکنید پس از آن «محلل» بیچاره را بر کنار میکنند و آنوقت اسب اصیل را برای جفت شدن با مادیان میاورند.

(اوژن سو) راجع به آن اسبی که سرگذشت حقیقی او را نقل می کند چنین میگوید که این اسب چون خواستند او را از مادیان دور کنند غضبناك شد و لگد انداخت و بند های خود را پاره کرده باسب اصیلی که قرار بود جای او را بگیرد حمله کرد و گردن او را بطوری با شدت گاز گرفت که یکی از رگهای گردن پاره شد و آن اسب اصیل آن روز بجز خون خود چیزی نتوانست بدهد. و در همان موقع که مردم بپرستاری این اسب اصیل زخمی مشغول بودند اسب محلل استفاده کرده بطرف مادیان رفت و کاری را که در نظر داشت کاملا انجام داد. در نتیجه مادیان آبستن شد و اتفاقا کره ای که بوجود آمد حرارت پدر را بارث برده بود و یکی از مشهور ترین اسب های مسابقه گردید و مدتها در فرانسه و انگلستان در هیچ اسبریسی هیچ اسب حریف او نمیشد.

این عادت پرورش‌دهندگان اسب بنظر من یك کار غیرمنصفانه و بیمعنی است زیرا اگر آن اسب بیرمسن «محلل» مورد توجه مادیان میشود معلوم است که مادیان حس میکند که منظور او بوسیله این اسب عملی خواهد شد وحتما در این قضیه مادیان خودش بیش از صاحب خود اطلاع دارد

(بقیه عشاق جنگی در شماره آینده)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر در داخل و خارج از کشور به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران تعلق دارد.

گرانی زندگی

بقیه از صفحه اول

دارد از خریدن جنس امساك نمیکند ولو بداند که اسکناسش روزی درمقابل طلا یانقره یا ارز خارجی قابل تبدیل است ازین قرار بعقیده ما اگر بخواهیم جلوی ترقی روز افزون زندگانی رابگیریم باید اول اقدامی کنیم که دیگر اسکناس جدید منتشر نشود و احتیاجات متفقین بااسکناس موجود تامین گردد مادام که این اقدام عملی نشده قانون منع احتکار و سایر اقداماتی که برای تثبیت قیمتها میشود نقش برآب خواهد بود.

اگر دکتر میلسپو با این عقیده ما مخالف است خیلی خوشوقت میشویم که نظر خود راتوضیح بدهد واگر موافقست پس درست نمی بینیم اجرای این اولین شرط اساسی برای تثبیت قیمت‌ها چه احتیاجی به تحصیل اختیارات تام دارد و چرا درین سه ماهی که بایران آمده اندو ملت ایران بانهایت حسن نیت سرنوشت خودرا در دست ایشان قرارداده وقت را بامروز و فردا کردن تلف مینمایند.

بیانات آقای کیسی در حضور نمایندگان مطبوعات راجع به ترقی هزینه زندگانی نظریه ما را تائید می‌نماید.

ایشان هم معتقد هستند که یکی از عوامل عمدهٔ گرانی افزایش مقدار اسکناس به نسبت مقدار کالای موجود در بازار ایران می باشد - با تصدیق چنین نظریه انتظار ما از متفقین و مخصوصاً از دولت انگلیس ودولت امریکا اینست که اگر نمیتوانند مقدار اسکناس مورد احتیاج خود را در حدود اسکناسی که ببانکها باز گشت میکند تقلیل دهندلااقل برای برقراری موازنه بر مقدار کالائی که بایران میفرستندبیفزایند ما تصدیق داریم که دروضع حاضر متفقین بااشکالات عمده ازلحاظ حمل ونقل مصادف میباشند ولی بامقایسه با مقادیری که جنس از یکطرف دنیا بان طرف حمل می شود احتیاجات ما ناچیز است و اگر گاهی از میان هزار کشتی یکی برای احتیاجات ماتخصیص داده شود یا اگر روی هر کشتی که بخلیج فارس میآید چندتن کالا برای مصرف ایرانیها تخصیص یابدتفاوت زیادی دربرنامه حمل ونقل آنهاحاصل نشده‌ولی ماایرانیها از مضیقه بیرون میآئیم. آنوقت حسن مناسبات بیشترشده‌وایرانیها با صمیمیت بیشتری همکاری متفقین را تلقی خواهند کرد - گمان می‌کنیم اگر بمفاد قرارداد اتحاد سه طرفه بین ایران و انگلستان و شوروی مراجعه شود ملاحظه خواهد گردید که آنچه ما در بالا تقاضا میکنیم جز آنچه از طرف متفقین تعهد شده چیز دیگری نیست

تفسیرمقاله‌خانم لمبتون راجع بایران

بقیه از صفحه اول

نتایج ۲۰ سال حکومت، ممکن نبوددر یکشب خنثی‌شود.

از یکطرف آنهائیکه از دورهٔ قبل ازحکومت پهلوی باقیمانده بودند عدهٔ معدودی بودند و اغلب آنها یا استعداد نداشتند که اوضاع جدید را درك کنند ویا اکراه داشتند از کنج انزوا خارج شوند و از طرف‌دیگر نمایندگان نسل جوانترکه در تعدیات دورهٔ رضاشاه کمتر شرکت کرده بودند یاتجربه‌کافی برای زمامداری نداشتند ویااز طرف همطبقه های خود تقویت لازم ندیدند تاموفق شوند زمام‌امور رابربایند ، بالاخره زمامداران‌وقت محکم بصندلیهای‌خودچسبیده بهیچوجه حاضرنبودند بسهولت ازامتیازات خود صرفنظر کنند. بدینطریق نتیجه‌آنی کوتاه شدن دست توانای رضاشاه از سلطنت این‌شد که امنیت در نقاط‌مختلف کشور مختل گردید، اساس‌سازمان‌دولت بتدریج ازهم پاشیده‌شد و زمامدازان حس رأفت‌بیشتری بتقلب وفسادواخلاق نشان دادند.»

اگرما این دوجمله مقاله رابا هم توام کنیم چنین استفاده میکنیم که در نظر نویسنده و محتملا در نظر محافل خارجی طهران که امروز باآنهاسروکار مستقیم ودائمی داریم **رجالی که‌در سالهای آخر سلطنت رضا شاه زمامداراین کشور بودند بدروغ گوئی وترسوئی وپابند نبودن باصول و نادرستی متصف بودند این محافل خارجی انتظار داشتند که‌پس از سقوط رضا شاه این زمامداران هم کنار بروند و عناصر جدیدی روی کار آیند زندگانی نوینی برای اهالی این کشور ترتیب دهند وبا آن ها روابط صادقانه وصمیمانه‌تری که‌پس از پیش آمدهای شهریور برای حفظ منافع ایران حیوتی بود مستقر سازند. ولی درجه یاس آنها را قیاس کنید وقتی دیدند که زمامداران دوره پهلوی اعم ازمقننین ومجریان این نکته رانفهمیده بصندلیهای خودچسبیدندودراثر فشارهای خود ضررهای‌حاصله‌ازانقلاب اخیر را برای کشور خریدند بدون اینکه از فواید متصور آن چیزی تحصیل نمایند**

پس‌ازاینکه انسان بوسیله خانم لامبتون فهمید که‌خارجیها‌نسبت برجال امروزی ماکه اکثرشان همان رجال دیروزی هستند چه نظری‌دارند و باچه سوءظنی بانها نگاه میکنندآنوقت پی خواهد برد.

« باینکه چرا دربن یکسال و نیم اخیر همکاری مابا متفقین جزسوءتفاهم‌وبدبینی‌وکدورت صورت دیگری بخودنگرفته و چرا ملت ایران از مزایائی که از عهدنامه اتحاد سه‌طرفه در عوض‌فداکاریهای خودمیبایستی تحصیل کرده‌باشدمحروم‌مانده است.

اینست سنخ افکاری که‌ازخواندن مقاله‌خانم‌لامبتون برای‌هرشخص‌فکوری حاصل میشود. ما نمیخواهیم بگوئیم که‌این خانم حق دارد و رجال دوره پهلوی همه‌دارای صفاتی هستند که‌در بالا شمرده شد بلکه قبول عکس آن برای ما خیلی مطلوب تر است فقط خواستیم بگوئیم خارجیها چه‌فکری کنند و اینك که وضع کشور طوری است که مانمیتوانیم ازهمکاری باآنها مستغنی شویم لا اقل موجباتی فراهم کنیم که‌ازین‌همکاری حداقل استفاده برای کشور تحصیل شود، رجال ماکه اگر هرچه از سیره اخلاقی آنهامورد تردید بوده کسی دردکاوت و نیروی عقلانی آنها تردیدی نداشته‌خود نتیجه ای راکه باید از این‌مطالعات بگیرند اتخاذ خواهند نمود.

مگر مهندسین از این ملت نیستند ؟!

ما باتعجب زیاد از دولت‌سئوال میکنیم‌که توقع مهندسین‌ایرانی که از کار کناره کرده‌اند امرمحالی‌بوده است که تا بحال ترتیب اثر به آن داده نشده است ؟

برای اینکه عموم بدانند که این جوانان تحصیل کرده پاکدامن جز صلاح کار و اصلاحات چیز دیگری نخواسته‌اند. خلاصه‌شرحی که‌بآقای‌نخست وزیر نوشته اند ذیلا درج و قضاوت را بملت واگذار میکنیم. درشماره بعد شرح مفصلی دراین زمینه نوشته خواهد شد.

۱ - مراجعی که ازطرف شخص وزیر دروزارتخانه های فنی حق‌اخذ تصمیم دارند از بین مهندسین انتخاب شوند.

۲ - تصدی کلیه امور فنی و کارخانها وبنگاههای صنعتی ومعدنی بعهده مهندسین باشدوهمچنین‌مدارس فنی.

۳ - کلیه‌اداراتیکه‌دروزارتخانه های فنی با امور فنی بستگی داشته ومؤثر در پیشرفت کار آنها است و یا مرجع تشخیص صلاحیت مامورین فنی است بمهندسین واگذار شود.

٤ - یك شورای فنی دولتی از مهندسین و متخصصین اقتصادی باید بطور دائم تشکیل ونسبت بامورزیر رسیدگی وتصمیم بگیرند:

الف : سازمانهای کارخانه‌ها و بطورکلی مؤسسات صنعتی و معدنی و فنی.

ب : طرز بهره برداری ازبنگاه های مزبور

ج : خرید کارخانهای جدید یا رفع نواقص و تکمیل کار خانه ها و مؤسسات موجوده

شکایات وارده

بعرض مقام نخست وزیری

کپیه وزارت دارائی - کپیه آقای دکتر میلسپو - کپیه‌وزارت خواربار - کپیه وزارت‌راه

محترماً معروض میداریم کلیه کارمندان وزارتخانه‌ها وادارات و مبوعه دراثر توجهات وحسن‌نیت هیئت محترم دولت بحمدالله درحدودامکان ازعسرت وضیق معیشت‌رهائی یافته‌ودر نتیجه کمکهائی که مرتبا همه ماهه ازحیث خوار بار آذوقه‌و لوازم‌زندگانی بانهاشده ومیشودآسوده خاطر بوده وخودرا رهین‌منت‌میدانند.

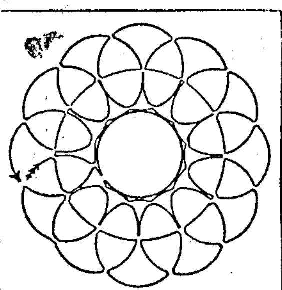
متاسفانه درچنین‌مورد مهمی نسبت به‌یك‌مشت کارمندان اداره کل ساختمان‌راه آهن‌عملاهیچگونه عطف‌توجهی نمیشود زیرا علاوه براینکه ازتحویل خوار بار ماهیانه فقط باسم اکتفا فرموده‌اند از تقسیم برنجی که اخیرا بتمام کارمندان وزارتخانهادادهٔ‌شدو نان‌روزانه کارمندان که‌ضروری ترین‌وسیله زندگی ومعاش اینجانبان است خود داری وآنچه تا کنون به‌آقایان روسای مربوطه‌عرض واستدعای کمك شده‌ترتیب‌اثر نداده‌اند.

باعرض مراتب بالاوبرای آنکه خاطر ریاست محترم دولت از وضعیت رقت بار و مذلت اینجانبان مطلع مستحضر باشد بدین‌وسیله تظلم‌خودرا تقدیم واستدعای بذل‌توجه داریم.

* * *

امید - اگرچه مساعدتهای دولت نسبت بکارمندان‌وزارتخانه‌هاوادارات‌هنوز صورت صحیحی نداردو شکایات متعددی میرسدولی بازتاقدری ازعسرت‌ومضیقه میکاهد. بدیهی‌است کارمندان اداره کل ساختمان راه‌آهن هم‌باید از کارمندان دولتی شناخته‌شده ومساعدتهائی که به سایرین میشود درباره‌آنهاهم منظور گرددوالاتضیه‌خاصه‌خرجی‌رواج‌خواهدشد

جواب مسئله (بازی دائره)



دم تیر علامت شروع رسم‌دوائر و سر تیر نشانه ختم آنست



سه چوب کبریتی که بایدبرداشته شود در تصویر زیر بانقطه نشان‌داده شده است.

گراورسازی شرکت سهامی چاپ باآخرین ماشینهای خودکار مجهز است
شرکت سهامی چاپ تلفن ۴۶۲۴

شاه جاسیگاری بلوررا بطرف امیر خسروی پرتاب کرد

چرا امیرخسروی از کار افتاد

موضوع دای و گیلی و سرلشگر زاهدی چه بوده

بازیگران عصر طلائی

روز شنبه ۲۷ منتشر شد : ازدفتر بنگاه پروین خریداری نمائید

ش آ- ۳۱

آگهی

وزارت‌راه بدونفرمهندس‌مکانیك برای ادارات‌بندر پهلوی و بندرنوشهر که واجد صلاحیت استخدامی وشرایط‌فنی بشرح‌زیر:

۱ - داشتن گواهینامه یکی از مدارس خارجه یا دانشکده فنی یا هنر سرای عالی‌تهران

۲ - داشتن حد اقل‌چهارسال‌سابقهٔ خدمت فنی درکار خانجات و شناسائی کامل ماشین‌آلات و موتور ها مخصوصا موتورهای دیزل.

باشند ویکنفرمهندس‌برق برای‌دو اداره مزبور که علاوه بر صلاحیت استخدامی واجد شرایط فنی‌زیر:

۱ - داشتن‌گواهینامه یکی‌ازمدارس خارجه ویا هنرسرای‌عالی تهران

۲ - داشتن‌حد اقل‌چهارسال‌سابقه خدمت‌در کارهای‌الکتریکی مخصوصادر قسمت‌تعمیرات‌دینامو‌ها وسیم‌پیچی بو بین‌ها

باشد احتیاج دارد. داوطلبان می‌توانند با دردست داشتن مدارك‌تا مدت ده روزاز تاریخ‌انتشاراین آگهی هرروزه‌ازساعت ۱۰ تا ۱۳ باداره‌کار- گزینی وزارت راه واقع درخیابان‌لاله زار جنب بنای‌گراندهتل‌مراجعه نمایند

ش : آ - ۳۵

اداره کارگزینی وزارت‌راه

آگهی مناقصه

بنگاه راه آهن دولتی ایران یکصد تشتك گـازاموتیاك (پر) از طریق مناقصه خریداری مینماید.

۱ - دارندگـان میتوانند، پیشنهادات خود را در روز ۲۲٫۲٫۵ تا آخـر وقت اداری بصندوق محتوی پیشنهادات در قسمت کاربردازی و اموال بنگاه بیاندازند پیشنهاد ت رسیده در روز ۲۲٫۲٫۶ ساعت ۹ صبح درجلسه‌مناقصه بازوخوانده‌خواهدشدحضورپیشنهاددهندگان درجلسه‌آزاداست.

۲ - پیشنهاد دهندگان مکلفند ٥ درصد بهـای پیشنهادی خود را بعنوان سپرده بصندوق بنگاه تسلیم نموده رسید آنرا پیوست پیشنهاد خود بنماید وپیشنهاداتی که فاقد قبض سپرده باشد ترتیب اثر داده نمیشود

۳ - بنگـاه در رد یا قبول یك یـا کلیه پیشنهادات مختار است.

ش آ- ۳۲

آگهی

برای رسیدگی به شکایاتیکه در اطراف کار های گـذشته وزارت کشاورزی بانواع مختلف می شود بر حسب تقاضای وزارت‌کشاورزی مقرر شده هیئتی مرکب از نمایندگان‌نخست وزیر وزارت‌دارائی‌وزارت دادگستری وزارت بازرگانی و پیشه و هنر و وزارت کشاورزی‌تشکیل‌شود.

این هیئت برای بازرسی در کلیه امور مربوط به کشاورزی مهیا و در اداره دامپزشکی در دفتر آقای دکتر کاظمی تشکیل شده و برای گرفتن هر گونه شکایت آماده است وزارت کشاورزی لازم‌دید این‌اقدام را باطلاع عموم برساند تا هرگونه شکایت واعتراضی داشته‌باشد‌به هیئت بازرسی که در اداره دامپزشکی تهران تشکیل است مراجعه نمایند هیئت مزبور نیز برای اصغای توضیحات مراجعه کنندگان مهیا است وهرکس می تواند هیئت را ملاقات و مطالبی اگر دارد اظهار نماید وزارت کشاورزی

ش آ- ۳۰

۲-۲

باشهرداری کمك کنید

زیرا شهرداری مال شما است‌وکمك بکارهای‌شهر کمك بخودتان میباشد.

۱- رختهای‌خود را در جویهای آب نشوئید

۲ - شستن رخت‌درجوی آب‌عواقب وخیمی دارد

۳ - با این کار لباس خود راتمیز کرده و شهری را الوده نموده اید

٤ - معایب بهداشتی‌این عمل‌را صاحب لباسها شاید بدانند ولی نوکرها و کلفت‌ها و رختشویها نمیدانند

٥ - بایك‌عمل ظاهراً کوچك‌وبی اهمیت که شستن‌لباس در جوی‌اب است صدمه ولطمه بزرگی بسلامتی خود وهمشهریهای خود میزنید.

٦ - هرکس را که دیدید لباس خودرا در جوی اب میشوید خونسردی نکنید فوراً باو نصیحت نمائید اگر نشنید اورا به پاسبان بسپارید.

ش‌آ-۲۳

شهرداری تهران

صاحب امتیاز : ا. امینی

جای اداره میدان بهارستان کوچه کلانتری

شماره تلفن ۷۰۰۹ - عنوان تلگرافی امید

بهای اشتراك

	یکساله	ششماهه	سه ماهه
درایران	۱۲۰ ریال	۷۰ ریال	٤۰ ریال
خارج ازایران	۱۸۰ «	۱۰۰ «	٦۰ «

تعیین بهای آگهی بادفتر اداره است

چاپخانه شرکت سهامی چاپ

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر در داخل و خارج از کشور به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران تعلق دارد.

حیوان عجیب

آموزگار خطاب بیکی‌از دانش آموزان .

عجیب ترین جانوران اروپا کدام است ؟

دانش‌آموز — فیل .

آموزگار با تعجب — چه گفتی ؟ فیل به در اروپا که فیل وجودندارد

دانش آموز — منهم بهمین جهت گفتم‌فیل ، زیرا اگرمیبود عجیب‌ترین حیوانات بشمار میرفت.

صراف

یکنفر دهاتی که برای اولین بار بشهر آمده از جلو دکان صرافی‌عبور می کند و می بیند غیر از پول‌چیزدیکری در آنجا نیست وارد دکان میشود :

دهاتی — آقا دربن‌دکان چه‌چیز خرید و فروش میشود ؟

صراف — الاغ

دهاتی - خیلی خوب! آیا غیراز خودتان الاغ دیگری برای فروش دارید؟

تملق و چاپلوسی

یکی ازصدر اعظم‌های‌خودخواه خواست میزان صداقت اطرافیان‌خود را بفهمد بپیشخدمت خود دستور داد بجای قهوه دمکرده تنباکو آورد و چون خود او کمی‌ازآن نوشیدتعریف کرده گفت بسیار خوب قهوه ایست ، تمام اطرافیان‌او تا قطره آخر نوشیده وهر یك بیش از دیگری‌اظهارمسرت نمودند وگفتند که در عمرخودقهوه‌ای بان خوبی نخورده اند .

شیرفروش راستگو

شیر فروش کوزه شیر را بدست آشپز میدهد — آشپز سر کوزه را باز کرده می بیند آب خالص است.

آشپز با تعجب — داداش اینکه آب خالص است !!

شیرفروش خود نیز تعجب کرده میگوید — خیلی معذرت می خواهم امروز فراموش کرده اند شیر داخل آن بکنند .

راست یا چپ

دخو ناخوش شده نزد پزشك میرود -

دخو — پهلوی من خیلی درد می کند .

پزشك — پهلوی راست یاچپ؟

دخو پس از قدری فکر — آن پهلو که شب وقت خوابیدن بطرف دیوار واقع میشود .

دروغگوئی

شخصی که بدروغگوئی م... بود وارد محفلی شد وپیش از شروع بصحبت کند یکنفر ازاهل رو بوی کرده گفت . دروغ دروغ . آن شخص گفت من که حرفی نزده ام که شما بگوئید د... است ، گفت تفاوتی نمیکند لابد خواهید زد .

دندان زن

— آقـای دکتـر اجرت دندان کشیدن چقدر است ؟

— سی ریال ولی اگر دوای‌مخدر استعمال کنم که درد کشیدن دندان احساس‌نشودفقط‌پانزده‌ریال‌اضافه‌می‌شود.

— خیر آقای دکتر — دوای‌مخدر لازم نیست .

— ولی بدانیدکه بدون استعمال این‌دوا ، تحمل‌درد خیلی‌مشکل‌است.

— اهمیت نـدارد دندان خودم نیست میخواهم دندان زنم‌را بکشید!

***

در یکی از مجالس رقص اتفاقا شخصی در حین رقص پـا روی دامن خانمی گذاشته وچیزی نمی‌ماند خانم بزمین بخورد .

خانم با تندی — مگر کوری یا انسان نیستی ؟

پس از چند دور رقصیدن بازدر حین رقص همان‌خانم باآن‌مردمصادف میشودوچون‌اوراجوانی‌زیبائی بیند :

خانم باکمال ملایمت — آقا مرا عفو کنیدتصورکردم‌شماشوهرم هستید .

کله گندهٔ دم دراز

یکی از سرلشگران بی‌سواد در دوره بازنشستگی بخیال درس‌خواندن افتاد . پس از ماهها که‌درس خوانده بود روزی معلم صفحه الفبارا باز کرده جلو او گذاشت وگفت ، بگوئید ببینم حرف میم کدام است ؟

سرلشگر چشمها را بهم گذاشته قدری فکر کرد آنگاه انگشت سبابه را در هوا بلندنموده گفت . میم میم آها یادم آمد آن کله‌گنده دم دراز، پناه برخدا این است .

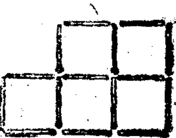
بلافاصله انگشت خود را روی صفحه الفباء پائین آورده نوك آنرا روی جیم گذاشته بود .



مدیر بنگاه — خانم حقوق شما از امروز ماهی دو هزار ریال و بعد از ششماه چهارهزارریال است.

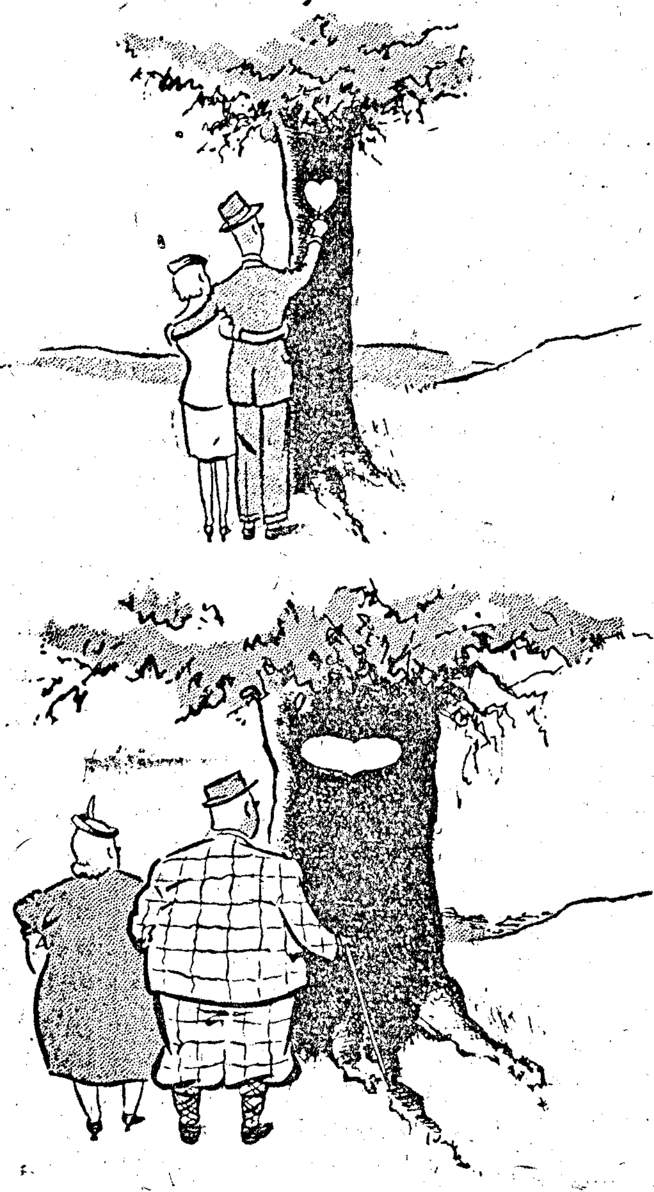
خانم — بسیار خوب‌ممنونم پس‌من میروم‌پس از ششماه دوباره خدمت‌شما میرسم.

بازی کبریت



در شکل زیر پنج مربع دیده‌می شود که با چوبهای کبریت درست‌شده است . اگر سه چوب کبریت را بر داریم این پنج مربع بسه مربع تبدیل خواهد شد . آیا میتوانید بگوئید که کدام چوب کبریت هارا باید برداشت

(جواب در صفحه ۷)



داستان بدون شرح

محاکمه الاغ

یکی از داد رسان در م... می‌گفت :

عجب محاکمه‌ای نصیب ما ... است . محاکمه در موضوع یك ... است که چندی قبل بسرقت برده ... یکنفر مدعی الاغ است یکنفر م... علیه الاغ ومنهم دادرس الاغ .

غیب‌گوئی

برفیقتان بگوئید که۳عدد کو... ترازده فکر کند و با او شرط ببـ... که اعدادی راکه فکر کرده است ... خواهیدگفت .

برای بردن‌این‌شرط‌چندعمل‌حسـ... ذهنی لازمست .

۱ — برفیقتان بگوئید که‌عدداو... رادر دوضرب‌کند .

۲ — بعدسه عدد برحاصل ضـ... بیفزاید .

۳ — حاصل‌را درپنج‌ضرب کر... هفت‌عدد برآن‌اضافه نماید .

۴ — بعدعدددوم رابرحاصل... آنها بیفزاید .

۵ — حاصل‌را دوبرابر کند .

۶ — سه‌عدد برآن علاوه‌نماید

۷ — حاصل رادرپنج‌ضرب‌کند

۸ — عدد سوم رابرحاصل ضر... اضافه کند !

بعد حاصل کل رابشما بگوید ... شما ازاین‌عدد درذهن خود ... ۲۳۵ راکم کنید . حاصلی که باقی میماند یکعدد سه‌رقمی است که ازچپ براست ازاعدادی‌که رفیقتان‌فکر کرده است ترکیب شده .



جواب مرد چاق

آقای «م» سئوال شما راجع به اینکه چرا مردهای چاق همیشه بشاش هستند مرا هم که قدری چاقم به خنده آورد . سئوال بسیار با مزهٔ ایست و خوشوقتم ازاینکه جوابهای‌من هم‌شما راکه چاق وشوخ هستید بیشتر خواهد خنداند .

واقعا من و شماکه هردو دراین موقع کمیابی گوشت از گوشت و پیه خودمان میتوانیم تغذیه کنیم چراخوش وبشاش نباشم ؟ متاثر میرویم می بینیم بیش ازنصف شوخی‌هامربوط به‌اشخاص چاق است . در جرائد فکاهی می‌بینید اغلب شوخی هامربوط به‌چاق‌هااست بنابراین من که‌چاق بوده‌وهستم‌وخواهم بود چرا خوش وبشاش نباشم .

چند دلیل دیگر هم برله‌چاق‌ها برای شما ذکر میکنم .

اولا هرمرد چاقی میتواند لاغر بشود بشرط آنکه مدتی رژیم بگیرد ولی یکنفر شخص لاغر هرقدر بخورد وبخوابدچاق نخواهد شد . چاقی‌مربوط به غذا خوردن نیست بلکه منوط به خونسردی‌وداشتن‌اعصاب خوب وبردن حداکثر لذت از زندگانی است .

چاق به‌هر چیز خوب اطلاق می شودفلان‌زمین چاق است یعنی‌حاصلخیز است . فلان لقمه‌چاق ، سهم چاق،چاق وچله ، کارچاق کن وهزار چیزدیگر که همه در توصیف چاقی است بنا براین چرا من‌وشما ازچاقی بنالیم و ناراحت باشیم؟شهرت‌یك‌مردچاق همیشه‌خوبست کی‌شمایك راهزن‌وجیب بر چاق‌دیده‌اید اشخاص چاق همیشه شاغل پست هـای خوب هستند ، میکوئیدنه‌من‌باشماشرط میکنم بیش‌ازسه‌چهارم رؤسای‌ادارات شما چاق‌هستند . اگر ورراه‌وقت‌اداره مملکت رابا هرج ومرج فعلی روی دوش نداشتند قطعا ازچاقی روغن از آنها میریخت (فعلا عرق میریزند)

اغلب مردهای چاق‌دوست خوب ومهمی هستند ودوستان خوب‌وصمیمی هم‌دارند وهمیشه حظ زندگانی برای آنهاست .

زن‌های چاق‌هم سهم خوشبختی خودرا دارند . راست‌بگوئید درمیان‌دوستان ورفقای‌خانه‌تان کدام یك‌را مایلیدبیشتر ببینید چاق ها یالاغرهارا ؟ من اگر جای‌شما بودم همیشه چاقهارا . !

خطاب بخانمیکه مقاله طلاق نکته‌گیر راجواب داده‌اند :

بانوی با ذوق محترم : مقاله بی امضای شمابااداره رسید وامیدواریم‌در شماره آتیه محلی برای درج‌آن یافته و امر شما را درمورد نشرآن‌اطاعت کرده‌باشیم .

قضاوت تند و شدیدی که نسبت به نویسنده طلاق کرده اید خیلی مرا مشغول کرد وتصور میکنم که شما هم مثل نویسنده طلاق تنها بقاضی رفتـه باشید.بهرحال باخواندن آن‌چند صفحه من‌هم شوهر شمارا مسئول میدانم‌ولی تصور میکنیدآنچه زنها در باره مرد هافکر میکنند و مرد ها خودشان هم اشتباهاً بهریش‌میگیرند اینست که‌انتخاب زن بامرد است ودر اول‌مرد است‌که اختیار برگزیدن وانتخاب زنرادارد..

اگر هم ظاهر امر این باشد در باطن برخلاف اینست وهمیشه زن‌است که بایك حرکت چشم و با یك لبخند ملیح‌مرد بدبخت‌راجلب وازراه‌درمیبرد وهمینطور بایك نگاه تند ویك‌جواب خشك میتواند مردرا ردکند .

بنابر این تصور نمیکنیدکه دلیل اساسی برای بی‌ارادتی شوهرتان‌بشما خانم دوست شما بوده است که بانگاه نرمی باعث دلباختگی شوهر شما شده است ؟ دراینصورت باید خطارامتوجه خانمها هم‌دانست .

اما راجع بخود شماالبته نمیدانم چه معایبی داشته‌اید که منجر بطلاق‌شده است واگرهم میدانستم جرئت‌اظهارو جسارت نداشتم .

بهرحال امیدوارم تصدیق‌مرا‌راجع بتصور وخطای شوهرتان بارضایت و طیب خاطر بذیرفته باشید ومثل عموم دوستان که برای خوش‌آیند شما قطعا همین‌جواب رامیدهندمارا هم‌ازدوستان وارادت‌کیشان بدانید .

شوخی وجدی

سفیر کبیر ایران در ترکیه

از قرار اطلاع‌حاصله-چون‌آقای کاظمی در اصلاحات وزارت دارائـی ایران رل مهمی داشته‌اند اخیرا برای توازن‌بودجه و اصلاحات مالی کشور ترکیه باحفظ مقام سفارت‌کبری‌اعزام خواهند شد . ما باین سعادت کشور ترکیه رشك می‌بریم !

سر از لمن آخر از توپشك!

يك - دو سه — چهار- پنج

اخیرا در مجمع همگانی فوق‌— العاده بانك کشاورزی برای کم کردن اتومبیلهای بانك اختلافی مابین اعضاء هیئت مدیره رخ داده است و چون هیچیك حاضر بتحویل اتومبیل خـود نمیشدند تصمیم گرفته‌شد پشك بیندازند

نمیدانیم مدیر عامل چه زرنگی بخرج داده است‌که عقاب نحوست بر سر اتومبیل سرویس بانك و اتومبیل اعضای فنی هیئت مدیره فرود آمده است !

البته بانك بکاکل مدیر عامل میگردد سایرین چه احتیاج به پاکش دارند !

بشارت باصفهانیها

خبر رسیده است که اخیرا مستر شریدن آقای مهندس کیر شف (متخصص اسنالت ریزی) را با حقوق ماهیانـه بیست هزار ریال بسمت ریاست‌خوار-بار اصفهان اعزام داشته‌است

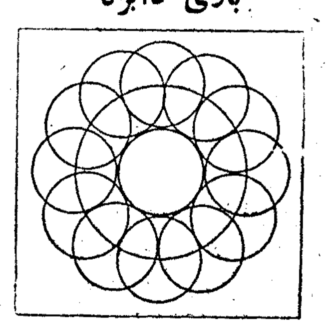
باز هم دم‌گـاوی بدست کهنـه اصفهانیهای شوخ‌افتاد !

خوابیدن ورم

مسیو ورم ازطرف آمای‌شریدن بریاست اداره نظارت پخش کالا های متفرقه (کالا های متفرقه‌در وزارت خوار بار قاعدتا باید زیره و زرشك و ارزن امریکائی‌باشد) باحقوق‌ماهیانه هیجده هزارریال و روزانه پانصدریال کرایه اتومبیل منصوب شده اند.

بااین صرفه‌جوئیهاورم اسکناس کم‌خواهد شد!

بازی دایره



آیا میتوانید دوائر درهم بـالا را طوری رسم کنید که اولا نوك‌قلم از روی کاغذ برداشته نشود . ثانیا هیچ خطی خط دیگر را قطع نکند ثالثا هیچگاه‌قلم ازیك نقطه‌دو بار نگذرد؟

(اگر نتوانستید به زیر صفحه ۷ رجوع کنید)



خانم او وقتی بمنزل میآید شکل شما چطور است ؟

هنگامیکه او بمنزل میآید شماچه قیافه‌ای‌داریدا؟صحبت ازشوهری نمیکنم که‌مدتها دور بوده‌است وشماازمراجعت او مطلعید .

البته کمتر زمانی‌است‌که درآن موقع صورت خودرا به‌بهترین وجهی زینت ندهید .

سئوال مربوط بمردیست؟ که پس ازهفت سال زناشوئی درآخر هرروز پس‌از تحمل‌زحمت طاقت‌فرسای روزیه بمنزل میاید .

چه بسازنهائی هستند که تصورمیکنند بواسطه‌طول‌مدتی که اززناشوئی گذشته است موضوع توالت اهمیت ندارد و دیگرلازم نیست زن برای‌شوهرش‌خود آرائی نماید ! زمان‌صلح هم بافراوانی وسائل توالت‌این فکردر اغلب‌خانمها بود چه‌رسدحالاکه عذرشان‌هم‌تااندازه موجه‌است ولوازم‌توالت گران‌وکمیاب شده .

بنظرمن‌امروز وهرروزوظیفه زن اینست که بهرطریق‌خودرا برای‌شوهر جالب نماید واین‌معامله نه‌فقط مربوط به‌طبقه جوان‌است بلکه‌دراشخاص‌مسن هم‌باید رعایت‌گردد .

از هر مردی سئوال کندکه آیا برای رفع خستگی زحمت روز بهتر نیست که در موقع ورود بمنزل قیافه همسرت را تمیز و موهای او ر... مرتب و شانه خورده ببینی تا آنکه با وضع نا مرتب و لبهای بی رنگ و موهای ژولیده او را ملاقات کنی قطعا جوابی‌که از عموم می‌شنوید یك نواخت خواهدبود.

نظافت شخصی و خانه درتحکیم روابط زناشوئی نهایت مؤثراست .

مطمئن باشید که خود آرائی زن ابداً مستلزم هزینه گزاف نیست و درساده ترین لباس وکم‌خرج‌ترین توالت زن تمیز ومرتب میتواند جلب توجه همسر خودرابنماید.

از توالت گذشته این روز ها کمتر باشوهرتان از بدبختی وسختی معیشت‌صحبت بنمائیدومتوجه‌باشید که اگر مقدور باشد همسر شما مثل‌زمان فراوانی و ارزانی راغب است که کلیه احتیاجات شما را تامین کند و تصوری متوجه او نیست. بایدبانهایت صرفه جوئی با زندگی جمع و جور بسازید تا بار دیگر خورشیدسعادت و راحتی طلوع کند.

قسمت اعظم خوشبختی وموفقیت شوهر شما درزندگانی‌منوط برفتاریست که با او می کنید . قیافه بشاش و تمیز شما در موقعی که او بخانه‌میآید بهترین پاداشی‌است که درمقابل‌زحمت و صدمه روز باو داده میشود .

لذت

ح . م . حمید

داستان هیوا وشیرین اردی بهشت ماه بها ۵ ریال

بنگاه پروین اول لاله زار

ش آ- ۳۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر در داخل و خارج از کشور به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران تعلق دارد.